



دانشگاه فرهنگیان  
پردیس فاطمه الزهرا (س)  
اصفهان

# حِلْمَا

گاهنامه  
فرهنگی  
اجتماعی

## گاهنامه فرهنگی اجتماعی

نشریه حلما | شماره هفدهم | سال هفتم | بهار ۱۴۰۲

در این شماره می‌خوانیم:

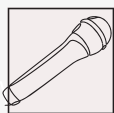
- نوروز در کشورهای همسایه
- وجود امام زمان در کتب مقدس دینی
- تاثیر فرهنگ بر تعلیم و تربیت
- افطار با طعم تورم

# هلما

گاه نامه  
فرهنگی  
اجتماعی

نشریه هلما | شماره هفدهم | سال هفتم | بهار ۱۴۰۲

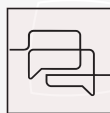
صاحب امتیاز: کانون مطالعات زنان و خانواده دانشگاه فرهنگیان پردیس فاطمه الزهرا اصفهان



سرپرست گویندگان:  
مرضیه عسگری  
گوینده: زهرا جوانی



ویراستار:  
محدثه زاهد انارکی



مسئول روابط عمومی:  
زینب منتظرین  
znbmnn |



سر دبیر:  
مرضیه عسگری



مدیر مسئول:  
هدی خورسندی



بخش علمی: دبیر: هدی خورسندی  
زهرا گلشادی، فاطمه دهقان، مهتا خلیلی،  
زهرا عربی، ریحانه عسگری



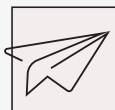
بخش خبری: دبیر: سیده سارا طاهریان  
سیده سارا طاهریان، پریسا گیلانی



طراح و صفحه آرا:  
مهدی اکبری  
MahdiAkbari\_gd |



بخش ادبی و هنری: دبیر: زهرا فراست  
زهرا ممتاز، فاطمه ماهرانی، فاطمه نصر اصفهانی، علیرضا میدانگاهی، عارفه گرجی، محدثه زاهد انارکی، زهرا جوانی



بخش روابط عمومی و فضای مجازی:  
بهاره اکبری، محدثه زاهد انارکی، زینب منتظرین، فاطمه ماهرانی، رستا محسن پور، ریحانه عسگری، هدی خورسندی، مرضیه عسگری، زهرا ممتاز، رضا یزدانی، مینو مشکاتی، فاطمه رضوانی، ریحانه سکوت، فاطمه دهقان زاده، حانیه گرگیان محمدی

# فهرست

- ۱ ..... نوروز در کشورهای همسایه
- ۲ ..... موسیقی متن روح
- ۳ ..... تاثیر فرهنگ بر تعلیم و تربیت
- ۵ ..... شهر رمضان
- ۶ ..... شهر الله
- ۷ ..... افطار با طعم تورم
- ۸ ..... آوار آرزوهایم
- ۹ ..... شب قدر
- ۱۱ ..... وجود امام زمان در کتب مقدس دینی
- ۱۳ ..... داستان تولد امور تربیتی
- ۱۵ ..... غوغای دشت
- ۱۶ ..... هر زمان شعری سراغم آمده
- ۱۷ ..... نجوای دل
- ۱۹ ..... این غزل
- ۲۰ ..... خبر: اصفهان، لاله‌های روشن
- ۲۱ ..... تربیت جنسی
- ۲۳ ..... کتابخانه نیمه‌شب
- ۲۵ ..... دکتر مصدق

XXXXXXXXXX  
XXXXXXXXXX

# سخت مدیر مسئول

سال نکویی بود، از بهارش پیدا بود!  
چرا که در این سال قلب‌های زیادی زنده شد!  
چشمان زیادی باز شد و شسته شد! عده‌ی زیادی از زندان تعصب آزاد شدند، خود را در تاریکی دیدند و به سمت نور بازگشتند! آری، در این سال خون را با اشک شستیم! از زلزله‌ی خوی گرفته تا...! اما دل‌هایمان به هم نزدیک‌تر شد، همدل شدیم و یکدیگر را در آغوش گرفتیم.  
پس بهار بود، چون تازه شدیم، جوان شدیم و جوانه زدیم و لاله کاشتیم!  
و آمدیم به دید و بازدید عید برسیم که خدا ما را به میهمانی‌اش دعوت کرد!  
به امید این سال جدید که پایان شب سیه‌اش سپید باشد.  
و به امید اینکه در این سال نکو، ظهور نور را ببینیم!  
بهار قلب‌ها و بهار قرآن را به شما تبریک می‌گوییم.

مدی خورسندی  
مدیر مسئول نشریه حلما







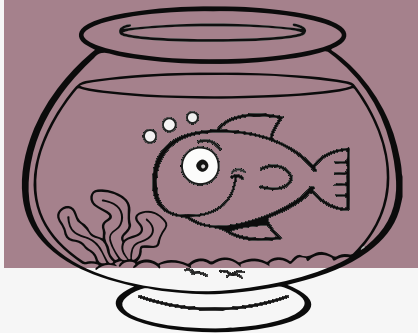
# سخن سردبیر

با یاد خدا؛ در ابتدا متن و کلام؛  
زینت بدهم به نام آن خالق تام،  
در محضر تان سپس کنم روی خلوص،  
با عشق و ارادت و ادب، عرض سلام  
فرا رسیدن سال نو همیشه نوید بخش افکار نو، کردار نو و تصمیم‌های نو برای آینده است؛ آینده‌ای  
که همه امید داریم بهتر از گذشته باشد. خرسندیم که فصل جدیدی از نشریه پیش روی ما قرار  
گرفته؛ با آرزوی سالی خوش و سرشار از موفقیت با هفدهمین شماره از نشریه حلما همراه همیشگی  
شما هستیم.

مرضیه عسکری  
سردبیر نشریه حلما

XXXXXXXXXX  
XXXXXXXXXX

# نوروز در کشورهای همسایه



## نوروز در هند

در هندوستان زنده شدن طبیعت را به عنوان نوروز یا سال جدید جشن می‌گیرند. در زمان‌های بسیار قدیم، مهاجرت ایرانیان و زرتشتیان به هند باعث شد که بعضی از جشن‌های ایرانی به خصوص نوروز در میان هندوها رواج پیدا کند.

سال نو در میان هندی‌ها با نام پتتی یا نوره مشهور است البته در بعضی مناطق سال نو را جشن می‌گیرند مثلاً در کشمیر به صورت متوالی هر ساله آن را جشن می‌گیرند. یکی از معروف ترین غذاهای هندی‌ها در سال نو فالوده، راوا و ماهی نادور است. همچنین در صبح اولین روز سال نو، آن‌ها صبحانه سنتی که شامل رادو و سو می‌شود را می‌خورند.

آیین هولی: یکی از مهم ترین جشن‌های هندی است که در نوروز برگزار می‌شود و آن را به نشانه رسیدن بهار و قرار گرفتن نیکی به جای بدی جشن می‌گیرند. در این جشن مردم، آب‌ها یا پودرهای رنگی را به نشانه شادی بر سر و صورت یکدیگر می‌پاشند؛ همچنین هولی جشن بزرگی برای کشاورزان است زیرا زمان برداشت محصولاتشان فرا رسیده است.

یکی از جشن‌های مهم دیگر در میان هندو ها، جشن لوه‌ری است.

در میان هندی‌ها آداب برگزاری نوروز بسیار

شباهت زیادی با آداب و رسوم ایرانی‌ها در برگزاری سال نو دارد؛ از جمله برخی از آداب هندی‌ها در نوروز:

با پاشیدن عطر گل به استقبال میهمانان خود می‌روند، سرودهای مخصوصی در سال نو می‌خوانند، همچنین گردنبندهایی از گل زرد بر گردن خود می‌آویزند و...

## نوروز در روسیه

آیین برگزاری نوروز در میان کثیری از اقوام روسیه مانند: تاتارها، بالکارها، باشقیرها و... رواج دارد؛ تاتارها نوروز یا سال نو را به عنوان ناوریز جشن می‌گیرند و باشقیرها آن را به عنوان نوریز جشن می‌گیرند.

بسیاری از اقوام روسیه به خصوص منطقه مسکو به مناسبت نوروز، برنامه موسیقی با بسیاری از ادوات موسیقی برگزار می‌کنند. روس‌ها نوروز یا سال نو را به دلیل آمدن فصل بهار جشن می‌گیرند که این جشن بر اساس روابط فرهنگی که از دیرباز با ایرانی‌ها داشتندو تحت تاثیر فرهنگ ایرانی‌ها به آن ها منتقل شد.

جشن ماسلنیتسلا: یکی از مهم ترین جشن های روس‌ها است که همزمان با نوروز برگزار می‌شود، در این جشن مردم لباس‌های کهنه خود را در می‌آورند و لباس‌های نو به تن می‌کنند. آن‌ها در این مراسم به دلیل فرا رسیدن بهار و پایان یافتن زمستان آدمکی را که

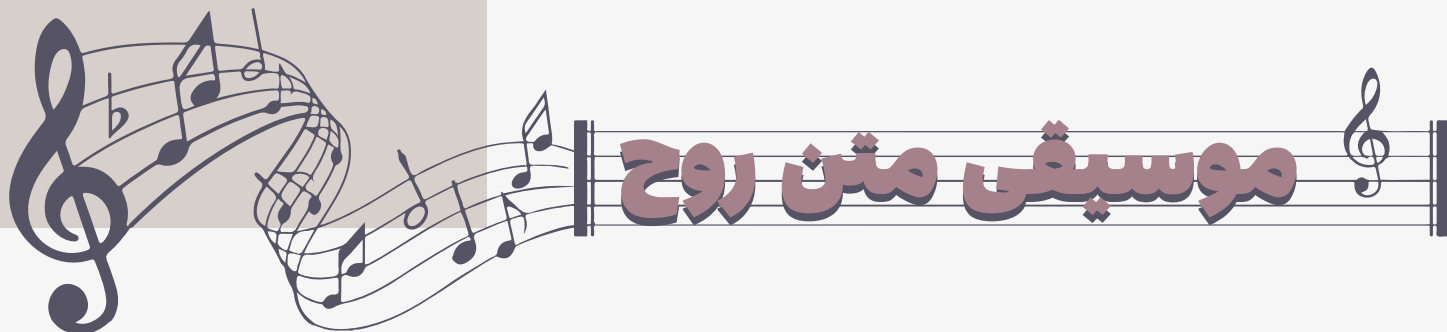
لباس زمستانی به تن دارد را آتش می‌زنند. آداب و رسوم روس‌ها در نوروز: خانه تکانی، برگزاری جشن‌ها و مسابقات خاص، نو کردن شهرها و خانه‌ها و بازدید از گذشتگان و...

## نوروز در عراق

نوروز در عراق هم مانند بسیاری از کشورهای همسایه ما به دلیل تحت تاثیر قرار گرفتن از فرهنگ ایران در زمان‌های قدیم برگزار می‌شود و تا قرن‌ها دوام پیدا کرده است. جشن نوروز در همه مناطق کشور عراق همه ساله برگزار می‌شود اما برای ساکنین منطقه بغداد نوروز ارزش بسیار زیادی دارد و در این روز به دشت و صحرا می‌روند. در میان ایزدی‌های عراق چهارشنبه سوری روز اول سال نو به شمار می‌رود و درواقع همان نوروز ما ایرانیان است.

برخی آداب و رسوم برگزاری نوروز در عراق: صبح زود سال نو به صحرا می‌روند و صورت و دست خود را با قطرات شبنم می‌شویند. همچنین آن‌ها با خود به دشت آرد می‌برند تا خمیر درست کنند و بعد داخل این خمیر گلی قرار می‌دهند که نشانه آمدن بهار است. زنان آن‌ها نانی به نام سوک می‌پزند و در گورستان‌ها پخش می‌کنند.





هم با موضوع آن همراه شده است. همچنین موسیقی متناسب آن، هر لحظه مخاطب را به حس و حال مربوط به هر سکانس فرو می برد. درواقع موزیسین های بخش متافیزیک با ظرافت بسیار بر اساس حس و حال آن جهان موسیقی ها را تنظیم کردند. البته ناگفته نماند که موسیقی دان های این انیمیشن و مشاوران آن، افرادی با مهارت هستند. از این رو می توان گفت این موسیقی متن واقعا شایسته اسکار و دیگر جوایز است که دریافت کرده است. در کل موزیسین های ماهر، انیماتورهای حرفه ای و تدوین گران و تنظیم کنندگان موسیقی و متخصصان موسیقی در این اثر دست به دست هم داده و انیمیشنی موزیکال و شایسته تولید کرده اند. انیمیشنی با موسیقی متن مناسب با بیس و ریتم خوب که گویی جانی اضافه به انیمیشن داده اند.

موسیقی جاز در انیمیشن آن چنان گیرا و جذاب است که به گفته کارگردان، "جاز خود به تنهایی یکی از کاراکترهای فیلم است" درواقع هنگام تولید موسیقی متن حرکات نوازنده را تماشا کرده اند و عینا حرکات او را بازسازی کرده اند. به همین دلیل است که موسیقی گوش نواز انیمیشن با صحنه های آن همخوانی دارد و مخاطب از تماشای آن لذت می برد.

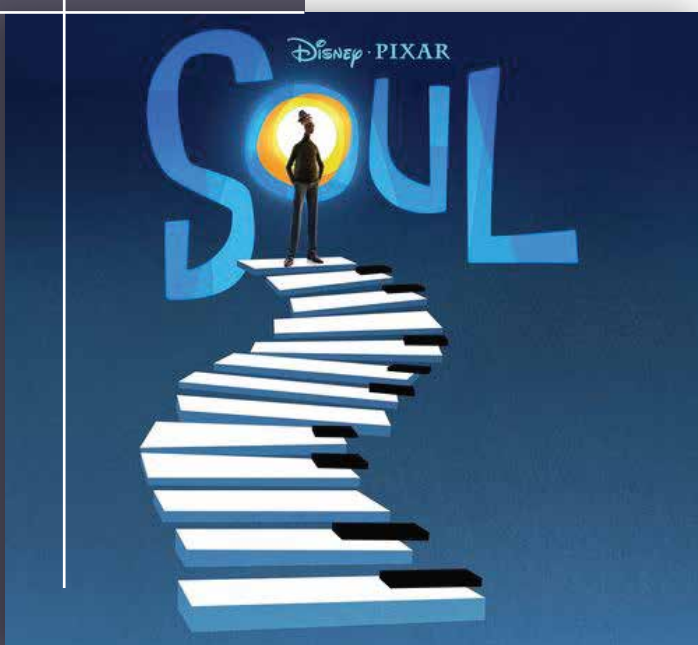
در انیمیشن روح با موسیقی متنی متفاوت از موسیقی های کلاسیک و ارکسترهای بزرگ دیگر انیمیشن های کمپانی دیزنی و پیکسار مواجه می شویم که به گفته پیت داکتر، کارگردان انیمیشن، "در انیمیشن روح چیز متفاوتی درباره داستان وجود داشت و حس آن چیز متفاوتی می طلبید."

انیمیشن روح انیمیشنی مفهومی در راستای درک معنای زندگیست که موسیقی متن آن

انیمیشن روح یکی از آثار موفق استدیو پیکسار و دیزنی است. این اثر موزیکال با زبان انیمیشنی، دنیای پس از مرگ و دنیای پیش از تولد را به تصویر می کشد و در این میان مخاطب را متوجه اهمیت و معنای زندگی و زندگی کردن می کند. بسیاری از مخاطبان و منتقدان این انیمیشن اقرار کرده اند که با تماشای این اثر امید به زندگی و انگیزه آن ها بیشتر شده است. اما این سوال پیش می آید که چگونه یک انیمیشن می تواند چنین اثری بر مخاطب خود بگذارد! مشخصا موسیقی متن یکی از مولفه های مهم در پیشرفت و اثر گذاری فیلم و انیمیشن هاست؛ بنابراین یکی از عوامل در اثر گذاری این انیمیشن، موسیقی متن جذاب آن است که به همین سبب برنده جایزه گلدن گلوب و اسکار موسیقی متن شده است. در ادامه به بررسی موسیقی متن تاثیر گذار این انیمیشن می پردازیم.

موسیقی متن انیمیشن مفهومی و موزیکال روح در مجموع از ۳۹ قطعه تشکیل شده است که ۱۶ موسیقی متن اصلی آن اثر جان باتیست و ۲۳ قطعه دیگر آثار ترنت رهنورد، آتیکوس راس و آلبوم وینیل روح (اورجینال موشن پیکچرز) است. موسیقی های متن انیمیشن روح در سال ۲۰۲۰ منتشر شدند. این موسیقی ها در ژانر جاز، موسیقی عصر جدید و موسیقی فضایی هستند. با توجه به این که انیمیشن روح، به ماجراهای متافیزیکی نیز می پردازد؛ موسیقی های سبک جدید و فضایی بیشتر در همین بخش های انیمیشن به کار رفته اند. اما موسیقی های جاز جان باتیست بیشتر در فضای شهری و ماجراهای مربوط به موسیقی این انیمیشن استفاده شده است.

یکی دیگر از دلایل موفقیت موسیقی متن انیمیشن روح کمک و مشاوره گرفتن از بزرگان موسیقی است که شاید جالب ترین آن ها برای ما، مشاهده نام کیهان کلهر در تیتراژ پایانی و تشکر ویژه از اوست. کیهان کلهر یکی از نوابغ موسیقی، نوازنده و آهنگ ساز است و ساز تخصصی کیهان کلهر کمانچه است.



محمد زاهد انارکی

آموزش ابتدایی، پردیس فاطمه الزهرا



# تأثیر فرهنگ بر تعلیم و تربیت

مختلف تعلیم و تربیت، شخصیت و... بر اساس فرهنگ‌های جامعه خود مورد بررسی قرار می‌دهند. حتی آزمون‌های شخصیتی قبل از اجرا در جوامع مختلف باید با هنجارهای فرهنگی آن جامعه سازگار گردد. طبق نظر هافستد، فرهنگ ملی یا ارزش‌های اجتماعی، ایجاد کننده ساختار و کارکرد نهادهای اجتماعی از قبیل نهادهای سیاسی، قانون‌گذاری و سامانه‌های آموزشی اجتماع هستند. این نهادهای اجتماعی به صورت متقابل، فرهنگ و وضعیت‌های اجتماعی ملی را مستحکم می‌نمایند.

هر یک از انواع فرهنگ‌ها نیز می‌تواند رویکرد نظام تعلیم و تربیت را تغییر دهد. ارزش‌های فرهنگی یک جامعه به عقیده هافستد به چهار رویکرد مردخویی-زن‌خویی، ابهام‌گریزی، فردگرایی-جمع‌گرایی و فاصله قدرت تقسیم می‌شوند. در فرهنگ‌هایی که ارزش‌های فرهنگی مردانه می‌باشند معلمان با استعداد ستایش می‌شوند. بهترین دانش‌آموزان، هنجار کلاس هستند. در فرهنگ‌های زنانه، معلمان دوستانه، بیشتر مورد

فرهنگ نفوذ عمیقی بر روی شیوه‌های تعلیم و تربیت یک جامعه دارد. برنامه‌های تعلیم و تربیتی علاوه بر تأثیر از برنامه‌های دیگر جامعه اعم از اقتصادی، سیاسی و... در چارچوب فرهنگی طرح ریزی و اجرا می‌شوند. با توجه به این که هدف تعلیم و تربیت، رشد شخصیت‌های یک جامعه است. روشن است فرهنگ با سایه‌ای که بر روی برنامه‌های تعلیم و تربیت می‌گستراند، شکل‌گیری و تربیت شخصیت‌های جامعه را متأثر می‌سازد. امام خمینی(ره) فرمودند: "بزرگترین تحولی که باید بشود در فرهنگ باید بشود؛ برای اینکه بزرگترین مؤسسه‌ای است که ملت را یا به تباهی می‌کشد، یا به اوج عظمت و قدرت می‌کشد. برنامه‌های فرهنگی تحول لازم دارد، فرهنگ باید متحول بشود." (صحیفه امام؛ ج ۷، ص ۴۷۳) برخی برنامه‌های تعلیم و تربیتی و حتی توصیه‌های روانشناختی قابل اجرا در تمامی فرهنگ‌ها نیستند. بر این اساس متخصصان تعلیم و تربیت و روانشناسان هر جامعه، یافته‌های سایر جوامع را در زمینه‌های

فرهنگ نفوذ عمیقی بر روی شیوه‌های تعلیم و تربیت یک جامعه دارد. برنامه‌های تعلیم و تربیتی علاوه بر تأثیر از برنامه‌های دیگر جامعه اعم از اقتصادی، سیاسی و... در چارچوب فرهنگی طرح ریزی و اجرا می‌شوند. با توجه به این که هدف تعلیم و تربیت، رشد شخصیت‌های یک جامعه است. روشن است فرهنگ با سایه‌ای که بر روی برنامه‌های تعلیم و تربیت می‌گستراند، شکل‌گیری و تربیت شخصیت‌های جامعه را متأثر می‌سازد. امام خمینی(ره) فرمودند: "بزرگترین تحولی که باید بشود در فرهنگ باید بشود؛ برای اینکه بزرگترین مؤسسه‌ای است که ملت را یا به تباهی می‌کشد، یا به اوج عظمت و قدرت می‌کشد. برنامه‌های فرهنگی تحول لازم دارد، فرهنگ باید متحول بشود." (صحیفه امام؛ ج ۷، ص ۴۷۳) برخی برنامه‌های تعلیم و تربیتی و حتی توصیه‌های روانشناختی قابل اجرا در تمامی فرهنگ‌ها نیستند. بر این اساس متخصصان تعلیم و تربیت و روانشناسان هر جامعه، یافته‌های سایر جوامع را در زمینه‌های مختلف تعلیم و تربیت، شخصیت و... بر اساس فرهنگ‌های جامعه خود مورد بررسی قرار می‌دهند. حتی آزمون‌های شخصیتی قبل از اجرا در جوامع مختلف باید با هنجارهای فرهنگی آن جامعه سازگار گردد. طبق نظر هافستد، فرهنگ ملی یا ارزش‌های اجتماعی، ایجاد کننده ساختار و کارکرد نهادهای اجتماعی از قبیل نهادهای سیاسی، قانون‌گذاری و سامانه‌های آموزشی اجتماع هستند. این نهادهای اجتماعی به صورت متقابل، فرهنگ و وضعیت‌های اجتماعی ملی را مستحکم می‌نمایند.



XXXXXXXXXX  
XXXXXXXXXX



اساسنامه دانشگاه فرهنگیان و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر امور مهم و ارزش‌های انسانی-اسلامی اهتمام ویژه دارد و این هر دو نهاد اثرگذار و پیشرو در تعلیم و تربیت، اندیشه‌های والا و تحولات بنیادین و کارسازی را در برنامه خود گنجانده‌اند که چشم‌اندازی امیدبخش و افقی روشن پیش روی جامعه و جوانان برمی‌گشاید و بهبود کیفیت دنیا و معاش و معاد جوانان را در برنامه هدفمند خود قرار داده و موجبات سعادت‌مندی آن‌ها را تأمین و تضمین می‌کند.

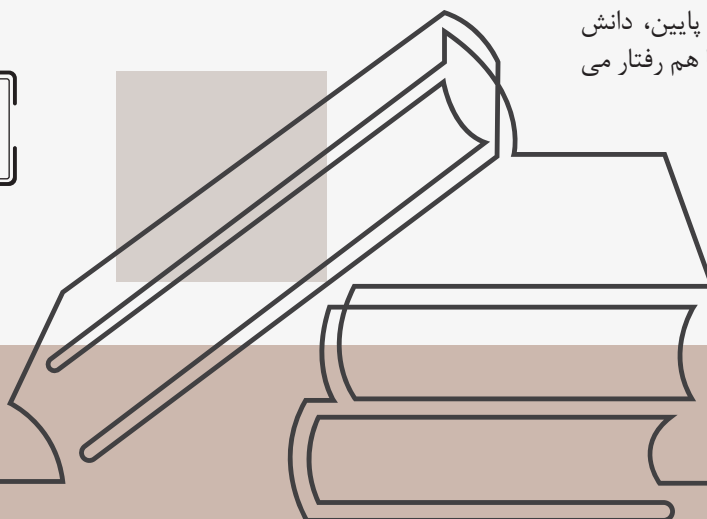
کنند و فرایند یادگیری دانش آموز محور است.

توجه به فرهنگ سالم و غنی و استفاده از اندیشه‌های سازنده اندیشمندان، از اولویت‌های مهم جامعه به ویژه در نهادهای علمی و تربیتی، مثل دانشگاه و آموزش و پرورش است.

تصفیه فرهنگی و غنی‌سازی و تقویت فرهنگ‌های سالم، اگر مبتنی بر ارج نهادن به کرامت‌های انسانی باشد، سعادت دنیا و آخرت را در پی دارد و پیشرفت و خوشبختی نوجوانان و جوانان جامعه را تضمین می‌کند.

علاقه هستند. دانش آموزان متوسط، هنجار کلاس می‌باشند. در فرهنگ‌هایی که ابهام‌گریزی پایینی دارند، هدف دانش آموزان از بحث، یک بحث خوب است در صورتی که در فرهنگ‌های با ابهام‌گریزی بالا، هدف دانش آموزان از بحث کلاسی، رسیدن به جواب درست است. در فرهنگ‌های فردگرا هدف تعلیم و تربیت، یادگیری چگونگی یادگیری است. در فرهنگ‌های جمع‌گرا هدف تعلیم و تربیت، چگونگی انجام کار است. در فرهنگ‌های با فاصله قدرت بالا دانش آموزان به معلمان خود وابسته‌اند و فرایند یادگیری، معلم محور است. در فرهنگ‌های با فاصله قدرت پایین، دانش آموزان و معلمان به طور برابر با هم رفتار می‌کنند.

زهره عربی  
آموزش ابتدایی، پردیس فاطمه الزهرا





# تنها در رمضان



به نام خدا  
شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى  
لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شِ  
هَدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا  
أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ  
بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ  
وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

ترجمه:

ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن نازل  
شده برای هدایت بشر و برای راهنمایی و  
امتیاز حق از باطل، پس هر که دریابد ماه  
رمضان را باید آن را روزه بدارد، و هر که  
ناخوش یا در سفر باشد (به شماره آنچه روزه  
خورده است) از ماههای دیگر روزه دارد، که  
خداوند برای شما حکم را آسان خواسته و  
تکلیف را مشکل نگرفته، و خواسته تا اینکه  
عدد روزه را تکمیل کرده و خدا را به عظمت  
یاد کنید که شما را هدایت فرمود، باشد که  
(از این نعمت بزرگ) سپاسگزار شوید.  
تفسیر از (تفسیر نور، محسن قرائتی):

- رمضان از رمض به معنای سوزاندن می آید  
منتها سوزاندن بدون دود و آتش و  
خاکستر؛ یعنی گناهان را می سوزاند.

- ماه رمضان ماه نزول قرآن و تنها ماهی  
است که نامش در قرآن آمده است.

- طبق تفسیر برهان از پیامبر (ص): تمام  
کتب آسمانی در ماه رمضان نازل شده است  
و ماه رمضان بهترین ماه خداست.

- روزه داری علاوه بر فوائد و منافع جسمی،  
سرخیزی و لطافت روح و استجابت دعا را  
به همراه دارد.

- محروم واقعی کسی است که از این همه  
خیر و برکت محروم شود.

- اسلام دین آسانی است و بنای آن بر  
سهولت و عدم سختگیری است که این، به  
قاعده (لا حرج) در فقه مشهور است.

- رمضان ماه مهمانی خداست:

۱. مومنان با کارت (یا ایها الذین آمنوا کتب  
علیکم الصیام) به این مهمانی دعوت شده اند.  
۲. میزبان آن، خداست و خودش شخصا  
مهمانان را مشخص کرده است.

. وسیله پذیرایی، شب قدر است؛ که زمان  
نزول قرآن، فرود آمدن فرشتگان، استجابت  
دعا، لطافت روح و دوری از دوزخ است.

۴. زمان پذیرایی، ماه رمضان است که اول آخر  
رحمت، وسط آن مغفرت و آخر آن پاداش است.

۵. چگونگی پذیرایی آن، به این صورت است که،  
نیاز یک سال مهمانان تامین می شود و زمین با  
نزول فرشتگان در شب قدر مزین می شود.

۶. غذای آن، غذای روح است که برای رشد  
معنوی لازم است.

لطف غذای این مهمانی آیات قرآن است که  
تلاوت یک آیه در آن همچون تلاوت کل  
قرآن در ماههای دیگر است.

۷. این مهمانی، هیچ سختی با مهمانی های  
دنایی ندارد چون خدای عزوجل که دارای  
نهایت تمام کمالات است میزبان همه انسانها  
می شود و دعاها را مستجاب می کند و در

ازای هر نفس ایشان پاداش تسبیح عطا می  
کند.

۸. شرط حضور در این مهمانی، فقط تحمل  
سختی گرسنگی و تشنگی نیست بلکه باید در  
ایجاد و پرورش فضائل اخلاقی و رفتاری تلاش  
و از رذائل اخلاقی و رفتاری اجتناب شود.  
- پیامهای جز به جز این آیه:

۱. ارزش رمضان به نزول قرآن است و ارزش  
انسانها نیز می تواند به مقداری باشد که  
قرآن در آنها نفوذ کرده است.  
(الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ)

۲. وجوب روزه بعد از یقین به حلول ماه  
رمضان است.  
(فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ)

۳. قضای روزه بر مریض و مسافر واجب است.  
(فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ)

۴. روزه قضا مشروط به زمان خاصی نیست.  
(أَيَّامٍ أُخَرَ)

۵. احکام خداوند بر اساس آسانی و مطابق  
طاقة انسان است.  
(يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ)

۶. عسر و حرج واجبات را از دوش انسان بر می دارد.  
(وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ)

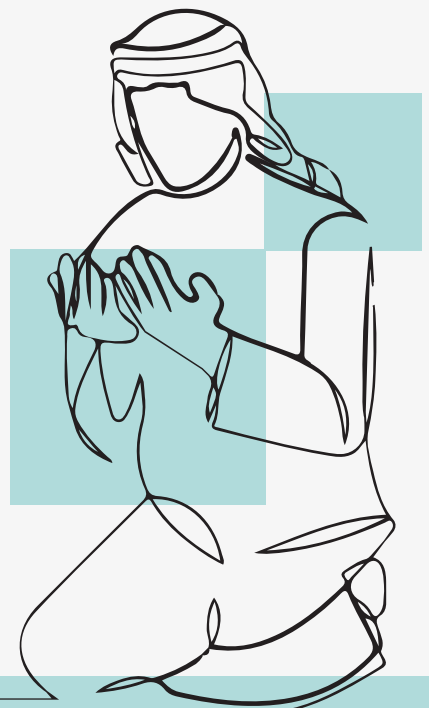
۷. روزهی قضا باید به تعداد روزهایی باشد  
که عذر داشته است.  
(وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ)

۸. هدایت و توفیق انجام عبادات از طرف  
خداست و تکبیر نشانه بزرگداشت خداست.  
(وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ)

. روزه زمینه ساز هدایت انسان و سپاسگزاری اوست.  
(وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ)

فاطمه دهقان

آموزش ابتدایی، پردیس فاطمه الزهرا



# شهر الله

از مبدا حقیقی‌اش جدا شده و سرگرم چیزهایی شده است که او را از اصل خویش باز می‌دارد. شرمسارم از این که من هرسال ناسپاسی می‌کنم؛ اما تو دوباره برای من، خوان بیکران نعمت می‌گسترانی و می‌گویی از خودت پذیرایی کن. و ما مهمانانی بودیم که نمک خوردیم و نمکدان شکنانیم. ما همچون افرادی که از تونلی تاریک و سیاه درحال گذر هستند عبور می‌کنیم که درنهایت، نور مبارک رمضان بر ما بتابد و قدری از سیاهی اطرافمان کم کند. الهی! خود را از همه رها کرده و به ریسمان تو چنگ می‌زنم. ناامیدم مساز و دستم را بگیر. فانوس‌ها را روشن کن و به انتظار بنشینید؛ که شاید مَطْعَم حقیقی عالم به ما درماندگان عنایتی کند و ما را به مهمانی خویش دعوت کند.

\*\*\*منبع: غزل شماره شماره ۱۸۳ حافظ

## زهرا ممتاز

آموزش الهیات، پردیس فاطمه الزهرا

و انسان خواست که به میهمانی خدا رود؛ پس پروردگار برایش رمضان را آفرید. رمضان در حال آمدن است و من آماده میزبانی از این ماه عزیز. و البته چه میزبان ناچیزی؛ چرا که آنقدر توانا نیست تا بتواند به بهترین شکل از این ماه عزیز، پذیرایی کند. میزبانی که راه خویش را گم کرده و پیش چشمان خالقش شرمنده‌ترین بنده است و البته که خود این میزبان محتاج لقمه‌ای به درگاه کبریا است. این ماه می‌آید تا زندگی را امتحان کند؛ چرا که زندگی فقط پرواز برگ در باد نیست. این ماه امتحان ریشه‌هاست؛ تا ریشه‌های اصیل از تقلبی مشخص شوند. بشتابید که خداوند همه اهل عالم را به سفره میهمانی‌اش دعوت کرده است. دلت را به رحمتش گره بزن تا این گره گشاینده همه گره‌های زندگی‌ات باشد. ای ماه مبارک! بیا که دگر تحمل کشیدن این لباس پر از گناه را ندارم. بیا و کمی از بار سنگین ما را از روی دشمنان بردار. دست خالی به مهمانی رفتن مایه‌ی شرمساری است و دستان پر از گناه من، شرمساریم را دوچندان می‌کند. با آمدن این ماه مبارک من عازم سفری می‌شوم، سفری دور، به جایی نزدیک. سفری از خودم به من، برای یافتن این من حقیقی که

# تورم

## افطار با طعم

بودجه و سقوط میزان عرضه گرفته تا اوج گرفتن تقاضا یا چاپ بی‌رویه پول، ترکش هایش بر سفره‌های کوچک شده‌ی مردمی می‌خورد که در ماه میهمانی معبود باید روزه ی دست به جیب نبردن بگیرند.

حرف از سفره‌های پر زرق و برق و رنگ و لعاب افطاری‌های چند مدله‌ی لاکچری نیست، اینبار حرف از حداقل‌ترین هاست، از ساده‌ترین غذاها و کم‌رنگ‌ترین سفره‌ها که حالا مهیا کردن همین حداقل‌ها هم برای اقشار متوسط رو به بالا هم کمر شکن شده، چه برسد به آنها که زیر بار شکاف‌های اقتصادی در این ماراتن قیمت‌ها، روزه‌شان را با طعم تورم باز می‌کنند و آنها که در بینابین دست و پنجه نرم کردن با مشکلات سهمگین‌تر، دغدغه‌ی نرخ روزافزون اقلام پر کشیده از سفره‌های افطاری‌شان را فراموش کرده‌اند.

چند زمانی از نام گذاری سال جدید به مهار تورم و رشد تولید نگذشته است که با حلول گام‌های ابتدایی ماه رمضان در بحبوحه‌ی عید نوروز، سایه سرد و سنگین تورم بر سفره های گرم افطار چیره شده؛ بر سر قدرت تحلیل رفته خرید خانوارها و رویای از دست رفته زیستن، با طعم ثبات اقتصادی؛ بر همه‌ی هیاهوی دیروز پیر و جوان‌های فامیل که انگار دمامد افطار یلدای قمری‌شان بود و خانه امنی برای رنگ بخشیدن به بوم خانه و خانواده؛ و امروز اما نرخ‌های فلک فرسا، فلک را به کام روزه‌داران زهر کرده است.

باز هم تورم؛ اولین بار نیست که این واژه چغری بد بدن، تن نحیف آسایش را، در انتظار لگد مال کند؛ اما اینبار میدان، میدان مبارزه ی بورس و سرمایه‌گذاری‌های کلان نیست، میدان مایحتاج اولیه یک سفره‌ی ساده افطار است؛ دلیلش هر چه که هست، از کسری

پریاگیلانی

آموزش تربیت بدنی، پردیس شهید باهنر





# آوار آرزوهایم

برایش آتش نذری پخته‌ام، سوز داده‌ام. مهمان دعوت کرده‌ام. آخر... دخترم، یکی یکدانه‌ام، دانشگاه قبول شده! از خوشحالی اش، دلم غنچ می‌رفت و قربان صدقه‌اش می‌رفتم. تمام بازار را زیر و رو کرده‌ام. لباس عروسی را می‌خواهم خودم بدوزم؛ قد بلند است. چشم‌هایش زودتر از لب‌هایش می‌خندند. لباس عروسی را پوشیده، می‌خندد و دور اتاق می‌چرخد. چال قشنگ روی گونه اش را می‌بوسم و دوباره قند توی دلم آب می‌شود. چشم‌هایم را باز می‌کنم. ثانیه‌ها... دقیقه‌ها... ساعت‌ها... روی سرم هوار می‌شوند. غم، با دست‌های زمختش سینه‌ام را فشار می‌دهد. زمین لرزید! آرزوهایم آوار شد! فریاد می‌کشم. خاک‌ها را کنار می‌زنم. دختر سه ساله‌ام با تمام آرزوهایی که برایش داشتم، زیر آوارها جا مانده. لبخند پرپرش را از لب‌های بی‌رنگ زخمی‌اش می‌چینم و قلبم را، زیر خاک‌های سرد و تاریک، کنار آوار آرزوهایم دفن می‌کنم...

دور حیات می‌دوید. صدای خنده‌هایش خانه را پر کرده بود. نرگس‌های باغچه را چید و به موهای مشکی بلندش زد. بغلش کردم؛ سرش را به سینه‌ام چسباندم و غرق بوسه کردم. موهایش را بافتم؛ بوی عطر نرگس‌ها میان جنگل فرفری موهایش دلبری می‌کردند. نگاهش کردم و قند توی دلم آب شد. مهر ماه از راه رسید. کفش و لباس و کیف مدرسه اش را دور اتاق ردیف کرده بود. او ذوق داشت و من تپش! کلاس اولی بود. روز اول مدرسه اش به ساعت چشم دوخته بودم. عقربه‌ها تنبل شده بودند. دلم می‌خواست زود برگردد و صدایش خانه را پر کند؛ بنشیند روی زانوهایم، شیرین‌زبانی کند و بگوید که چقدر به او خوش گذشته است.

فاطمه نصر اصفهانی

آموزش ابتدایی، پردیس فاطمه الزهرا



# شعر

قصه از مقلب القلوب شروع شد. حول حالنا خوانیدم و به ربنا رسیدیم. سنجد و سبزه و ماهی را از روی سفره‌ی خانه برداشتیم و سفره‌ی دل‌مان را پهن کردیم. به نسلک یا من هو الله الذی رسیدیم. تلاش کردیم تا زنگار را ازدل پاک کنیم و می‌خواندیم: «القدوس السلام المومن المهیمن العزیز الجبار».

و حال یک روز مهمانی‌ات به نوزدهمین روزش رسیده. ما آمدیم. با کم‌کاری هایمان، با روزه‌های نصفه و نیمه‌مان، با روح‌های صیقل نیافته مان.

دست و پای ما، زنجیر دنیای حالت شده. دل ما زنگار یافته‌ی غیرتو شده. خسته‌ی راه رفته شده‌ایم و از نرسیدن می‌ترسیم. آسمان بار امانت نتوانست کشید؛ اما ما هم امانت‌دار خوبی نبودیم.

با این وجود آمدیم...

تو دعوت کردی و ما آمدیم. آمدیم تا راه هزار ماهه را یک شبه برویم. دست‌هایمان را بالا بگیریم و القوس بخوانیم. یانورالنور را بگوییم و خلصنا من النار یا رب بخوانیم. دست‌هایمان را بالا گرفتیم؛ اما نکند به همان اندازه روزی‌مان بدهی. ما روی بزرگی قلب علی حساب باز کرده‌ایم. روی خدایی خدای علی حساب باز کرده‌ایم. این ما و این آنچه که باید باشیم ولی نیستیم.

## نجم فرمادی

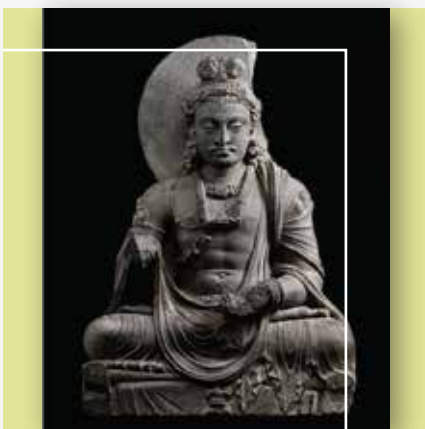
آموزش ابتدایی، پردیس فاطمه الزهرا

# در کتب مقدس دینی امام زمان وجود

نجات دهنده و پیشوای دین نیز ترجمه و تفسیر شده است. در کتاب (زند)، که در آن نیز پیشگویی شده، شوسیانس، نژاد دیوان و اهریمنان را ریشه کن می‌سازد، آمده است: ای سپیتامان زرتشت! چون زمان سر رود، این دشمنان مانند بُن درختی که یک شب سرد زمستانی که برسد و به یک شب برگ بیفکند، تباه شوند. هنگام گرگان به سر رسد و هنگام میشان اندر آید.



در کتاب دید از کتاب‌های مقدس دینی نزد هندیان، چنین آمده است: پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخرالزمان پیدا می‌شود که پیشوای خلق باشد و نام وی منصور باشد و تمام عالم را بگیرد و به دین خود درآورد و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد و هر چه از خدا خواهد، برآید



## ۲. موعود در آیین بودایی:

چنانکه در پاره‌ای از کتب و مآخذ آمده، در دین بودایی نیز مسئله انتظار موعود و منجی آخرالزمان مطرح شده است. گفته‌اند که در این آیین، موعود مورد انتظار و مدّ نظر، (بودای پنجم) است و آمدنش را بشارت داده، بوداییان منتظر ظهورش می‌باشند.

## ۳. موعود در زرتشت:

منجی یا موعود آخرالزمان، در جهان بینی و معادشناسی زرتشتی، جایگاهی ویژه دارد. او را (سوشیانت) یا (سوشیانس) می‌گویند. این واژه، فرد اسم فاعل مضارع، از ریشه SU و SAV به معنای سود است لذا مراد از این واژه، فرد سود رساننده است و

اعتقاد به موعود، در همه ادیان مطرح بوده و عقیده مشترک همه آن‌ها به شمار می‌آید؛ و هر دین و مکتبی به تناسب فرهنگ دینی و ملی خود از موعود آخرین، به نامی یاد کرده است. بر این اساس، در آیین بودایی او را (بودای پنجم) و در آیین هندو، او را (آواتارا دهم) گویند. در آیین زرتشت نیز از آمدن منجی و موعود آخرین خبر داده شده و او را (سوشیانت) یا (سوشیانس) می‌نامند. کتب دینی یهود نیز ظهور رهبری بزرگ به نام (ماشیح) یا (مسیح) در آخرالزمان را نوید داده‌اند. آیین مسیحیت نیز آمدن دوباره حضرت عیسی‌ای مسیح به دنیا و برپایی حکومت جهانی به دست او را خبر داده است. اما اندیشه مهدویت و ظهور موعود جهانی در آیین آسمانی اسلام، جایگاه و جلوه بیشتری دارد و با وجود دلایل معتبر از آیات و روایت متواتر و قطعی، همه مذاهب اسلامی بر ظهور (مهدی موعود) از نسل فاطمه زهرا(س) اتفاق نظر دارند. در این میان، مهدی موعود در مذهب شیعه، هم به دلیل جایگاه اعتقادی آن و هم به دلیل دارا بودن شناسنامه روشن و پرداختن به جزئیات زندگی و چگونگی ظهورش، از اهمیت، قطعیت و شفافیت بیشتری برخوردار است.

## ۱. اعتقاد به موعود در آیین هندو و کتب هندیان:

در آیین هندو از او به نام (آواتارا)ی دهم یا دهمین آواتارا، یاد می‌شود. در کیش هندو، در کتاب پوران (Purana) شرح مفصّلی درباره دوران آخر عصر کالی (Kali)، یعنی آخرین دوره پیش از ظهور دهمین آواتارای ویشنو، آمده است. مقصود از عصر کالی نیز آخرالزمان است. اکنون عصر کالی به شمار می‌آید.

و در آفتاب و ماه و ستارگان علامات خواهد بود و بر زمین تنگی و حیرت از برای امت‌ها روی خواهد نمود، به سبب شوریدن دریا و امواجش؛ و دل‌های مردم ضعف خواهد کرد از خوف و انتظار آن وقایعی که بر ربع مسکون ظاهر می‌شود؛ زیرا قوآت آسمان متزلزل خواهد شد و آن گاه پسر انسان را خواهند دید که برابری سوار شده با قوّت و جلال عظیم می‌آید. آنچه در این قسمت آورده شد، با روایات اسلامی درباره (موعود آخرالزمان) هماهنگی دارد. به نظر ما سوار امین و حق، همان حضرت مهدی موعود (عج) در منابع اسلامی است که در آخرالزمان ظهور کرده و بر جهانیان به عدل داوری خواهد نمود.

همخوانی دیگر، روز ظهور آن موعود موعودها است که در فرهنگ دینی مسیحی نیز مانند اسلام، نامعلوم است و با

آن، با حاکمان ستمکار خواهد جنگید و پس از نابود کردن آن‌ها بشر را به ساحل نجات و رستگاری رسانیده و به زندگی آرمانی اش جامه عمل خواهد پوشانید. به همین دلیل، مسیحیان منتظر ظهورش باید آماده باشند و زمینه‌های ظهور آن حضرت را فراهم کنند.

در انجیل لوقا در این زمینه چنین آمده است: کمرهای خود را بسته، چراغ‌های خود را فروخته بدارید و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند... پس شما نیز مستعد باشید، زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسر انسان می‌آید.

ظهور دوم حضرت عیسی (ع) با پیدایش یک سلسله حوادث طبیعی زمینی، آسمانی، سیاسی و اجتماعی همراه خواهد بود. پسر انسان هنگامی می‌آید که بشریت با مشکلات و مصایب فراوانی دست به گریبان است:

#### ۴. موعود در آیین یهود:

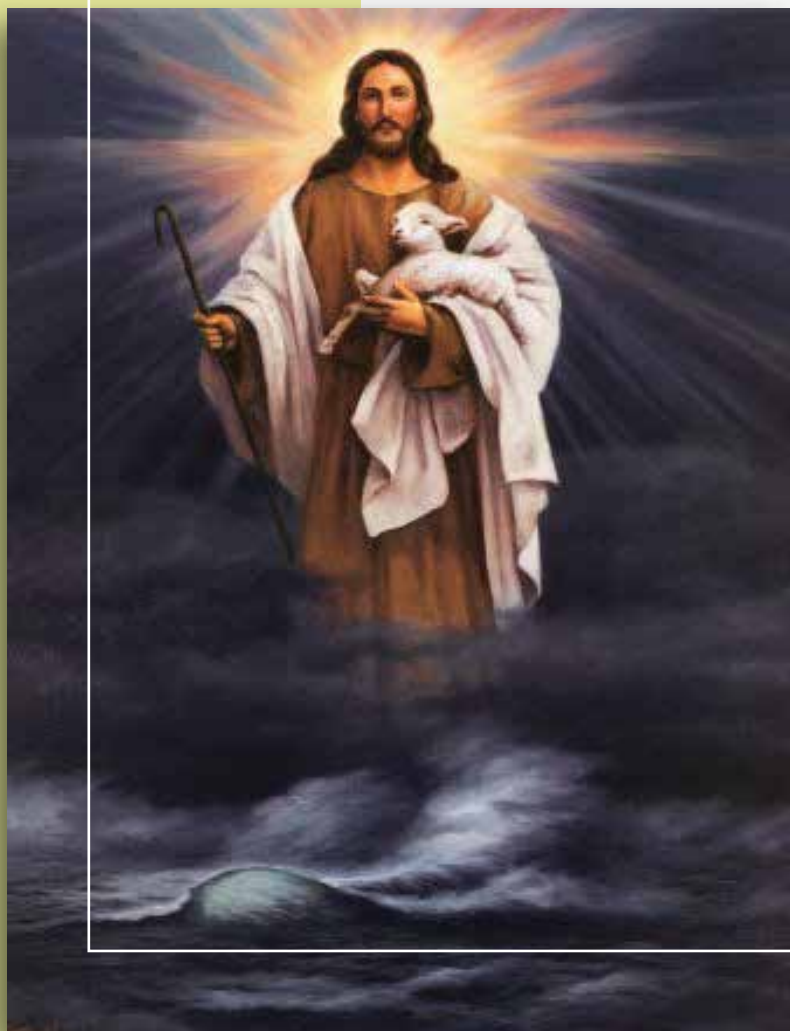
آثار و کتب دینی یهود نیز به طور مکرر به موعود اشاره کرده و آمدنش را نوید داده‌اند. در اسفار تورات و برخی از کتاب‌های دیگر آن، مربوط به برخی پیامبران بنی اسرائیل، نوید ظهور رهبری بزرگ به نام (مسیح) یا (ماشیح) به زبان عبری و به معنای مسح شده را داده است. با توجه به اینکه یهودیان به حضرت عیسی مسیح (ع) ایمان نیاورده‌اند و بلکه کمر به کشتن او از راه آویختن بر چوبه دار صلیب گونه، بسته بودند. این مسیح یا ماشیح غیر از عیسی مسیح مورد نظر و انتظار مسیحیان و نیز مسلمانان است.

از این رو، مسیح موعود یهودیان هنوز به دنیا نیامده است. او که بر اساس باور یهودیان فرزندی از نسل داود و یا فرزند منتخب داود است، در آخرالزمان پدید خواهد آمد و با سیطره بر جهان، پادشاه جهان و جهانیان خواهد شد و به عدل و داد پادشاهی و حکمرانی خواهد کرد.



#### ۵. موعود در آیین مسیحیت:

آیین مسیحیت نیز به آینده جهان و انسان، نگاه خوشبینانه داشته، ظهور موعودی را که همان عیسی مسیح (ع) باشد، نوید داده است. ظهور دوم (coming Second) یا بازگشت دوباره حضرت عیسی مسیح (ع) برای نجات جهانیان و ایجاد یک دنیای پرشکوه، از اعتقادات جدی مسیحیان است. از این رو، اگر درباره سرانجام کار حضرت مسیح (ع) پس از ظهور نخست و اعلام رسالت و تبلیغ دینش میان مسلمانان و مسیحیان اختلاف نظر وجود دارد، در اصل در ظهور دوم آن حضرت اتفاق نظر دارند. بر این اساس، عیسی (ع) دوباره ظهور خواهد کرد و به تصریح عبارات عهد جدید (یا انجیل چهارگانه و برخی متون فرعی وابسته به





علائمی آشکار خواهد شد. چنانکه در انجیل متی آمده است: اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد و حتی ملائکه آسمان جز پدر، من و بس. هد جدید، انجیل متی، باب ۲۴، بندهای ۳۶ و ۴۴ - ۴۵. لہذا شما نیز حاضر باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می‌آید.

## ۶. موعود در آیین اسلام

همه مسلمانان از هر گروه و فرقه‌ای بر این مسئله اتفاق دارند که در آخرالزمان حضرت مهدی (عج) خروج می‌کند؛ و بر این مسئله نیز اتفاق نظر دارند که آن حضرت از نسل حضرت علی (ع) و فاطمه زهرا (س) است و نامش نام پیامبر (ص) است به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین از ادیان آسمانی، به مسئله مهدی موعود بیش از سایر ادیان اهمیت داده است.

در کتاب‌های اهل سنت و جماعت آن قدر روایات درباره مهدی موعود (ع) وجود دارد که عقیده به آن حضرت از ضروریات دینی مذهبی آنان به شمار آمده است.

به عنوان مثال، درباره اصل موضوع ظهور مصلح جهانی و حضرت مهدی (ع)، ۶۵۷ حدیث در کتب آنان از قبیل: صحیح بخاری، سنن ابن ماجه، سنن ابن داود، سنن ترمذی، منتخب کنز العمال، مسند احمد بن حنبل، منابع المودة، الصواعق المحرقة و غیر آن نقل شده است.

قاضی شوکانی مؤلف کتاب (نیل الاوطار) نیز گوید:

پنجاه حدیث درباره مهدی قابل توجه است و این احادیث بدون شک متواترند. محمد بن حسین آبری صاحب کتاب (مناقب الشافعی) می‌نویسد:

اخبار رسول خدا (صاً) درباره مهدی و این که از اهل بیت است... متواتر و مستفیض است.

## مهدی در قرآن

بعضی از علما مثل مرحوم محدث بحرانی در کتاب جداگانه‌ای با عنوان «المحجۃ فیما نزل فی القائم الحجۃ» از اول قرآن تا انتهای آن به ترتیب آیاتی را که در روایات شیعه به آن وجود مقدس تأویل شده، آورده است و عدد آن آیات را به ۱۲۰ شماره رسانده است. علامه گرانمایه و محدث بزرگ شیعه مرحوم مجلسی در اثر جامع و ماندگار خود بحارالانوار، جلد ۵۱، ۶۶ ایه در این زمینه آورده است.

نخستین ایه:

«و قل جاء الحق و زهق الباطل إنَّ الباطل کان ذھوقاً؛ بگو حق آمد و باطل از میان رفت، بی‌تردید باطل نابود شدنی است.» (سوره اسراء، آیه ۸۱)

همانطور که از ظاهر این ایه نورانی برمی‌د حق و باطل همیشه رو در روی یکدیگرند و دوام و ثبات و بقا و جاودانگی برای حق است و هلاک و نابودی برای باطل.

آیه شریفه: «قل جاء الحق و زهق الباطل» تحقیق می‌یابد. امام باقر (ع) درباره این ایه فرمودند: «إذا قام القائم ذھبت دولة الباطل؛ چون قائم قیام، کند دولت باطل از بین می‌رود» فراز پایانی دعای افتتاح که درباره این امام برحق است، مقاله را حسن ختام می‌بخشیم. «اللهم أظہر به دینک و سنۃ نبیک حتی لا یخفی بشئ من الحق مخافۃ احد من الخلق؛ خدایا! به دست این حجت خود، چنان دین و سنت پیامبرت را آشکار ساز که از ترس احدی از خلق، چیزی از حق را پنهان نکند».

منابع:

تفسیر نوین، ص ۳۲۴.

بحارالانوار، ج ۷، ص ۲۵۲.

روضه کافی، ص ۲۸۷

منتہی الامال، ج ۲، ص ۴۲۲

عبدالله ابراهیم زاده آملی چکیده ای از مقاله

علمی پورتال جامع علوم انسانی

حصون ۱۳۸۶ شماره ۱۲

چکیده از مقاله سید محمدباقر طباطبایی

مهتا غلیلی

آموزش ابتدایی، پردیس فاطمه الزهرا



# داستان تولد امور تربیتی



از کلاس هشتم به او علاقه‌مند بودم، یعنی از زمانی که این مطلب را در کتاب فارسی خواندم:  
به دانش آموزانش می‌گفت:  
(( من دیر نمی‌آیم؛ شما هم دیر نیابید.  
من غیبت نمی‌کنم؛ شما هم غیبت نکنید.  
من به شما دروغ نمی‌گویم؛ شما هم به من دروغ نگوئید.  
من به هر قولی که به شما بدهم، وفا می‌کنم؛ شما هم به هر قولی که به من می‌دهید وفا کنید... ))  
«شهید رجایی»

قبل تر، فقط بخاطر مراش دوستش داشتم؛ ولی حالا که فکرش را می‌کنم، او نکته سنج و ضرورت دان هم بود! او ضرورت‌ها و نیازهای زمانه‌ی خود را می‌شناخت و می‌دانست که با خودکار گذاشتن لای انگشت دانش آموز، غیر از انحراف غضروف و تغییرات فیزیکی، هیچ تغییر مثبت شیمیایی در ذهنش رخ نخواهد داد.

او به دنبال ساخت اسکلت قوی برای بدنه‌ی آموزش و پرورش بود.

داستان از شهریور سال ۵۸ شروع شد که در دولت موقت، به عنوان سرپرست و سپس وزیر آموزش و پرورش، منصوب گردید. او که از سال‌های پیش از انقلاب در دانش‌سرای عالی تربیت معلم تهران پذیرفته شده و به استخدام وزارت فرهنگ درآمده بود؛ با کاستی‌ها و مسائل مدارس به خوبی آشنا بود و قصد داشت با اجرایی کردن برنامه‌هایی مثل اصلاح مراکز تربیت معلم، یکنواخت کردن کلیه مدارس و رفع تبعیض، تغییر محتوای کتب درسی، تعمیم امکانات و تجهیزات آموزشی برای همه‌ی اقشار و تغییر روابط دانش آموز و معلم، ستون فقرات آموزش و پرورش جدید و انقلابی را پایه‌ریزی کند.

آموزش و پرورشی که حالا می‌بایست مدل انقلابی و اسلامی از خود به نمایش بگذارد؛ قبل از هر اصلاح دیگری، به پرورش نسل نیاز داشت.

پرورش افکار و اخلاق، موضوع جدیدی نبود؛ چرا که حکومت شاهنشاهی هم در راستای ایجاد تحولات فرهنگی مد نظرش، سازمان



پیشاهنگی را مسئول امور فوق برنامه کرده بود.

حتی سال های بعد از انقلاب هم، سازمان پیشاهنگی به فعالیت خود ادامه می داد و مورد تایید امام خمینی (ره) واقع شد. با این حال آموزش و پرورش هنوز یک چیزی کم داشت.

از طرفی فعالیت های سازمان پیشاهنگی نیز با گذر زمان، کم و کمتر میشد؛ تا جایی که در سال ۱۳۶۰ توسط مجلس منحل شد.

رجایی که نبود عنصر اسلام و اعتماد به نفس ملی را، پاشنه آشیل نظام تعلیم و تربیت می دانست؛ تاسیس «امور تربیتی» را مطرح کرد.

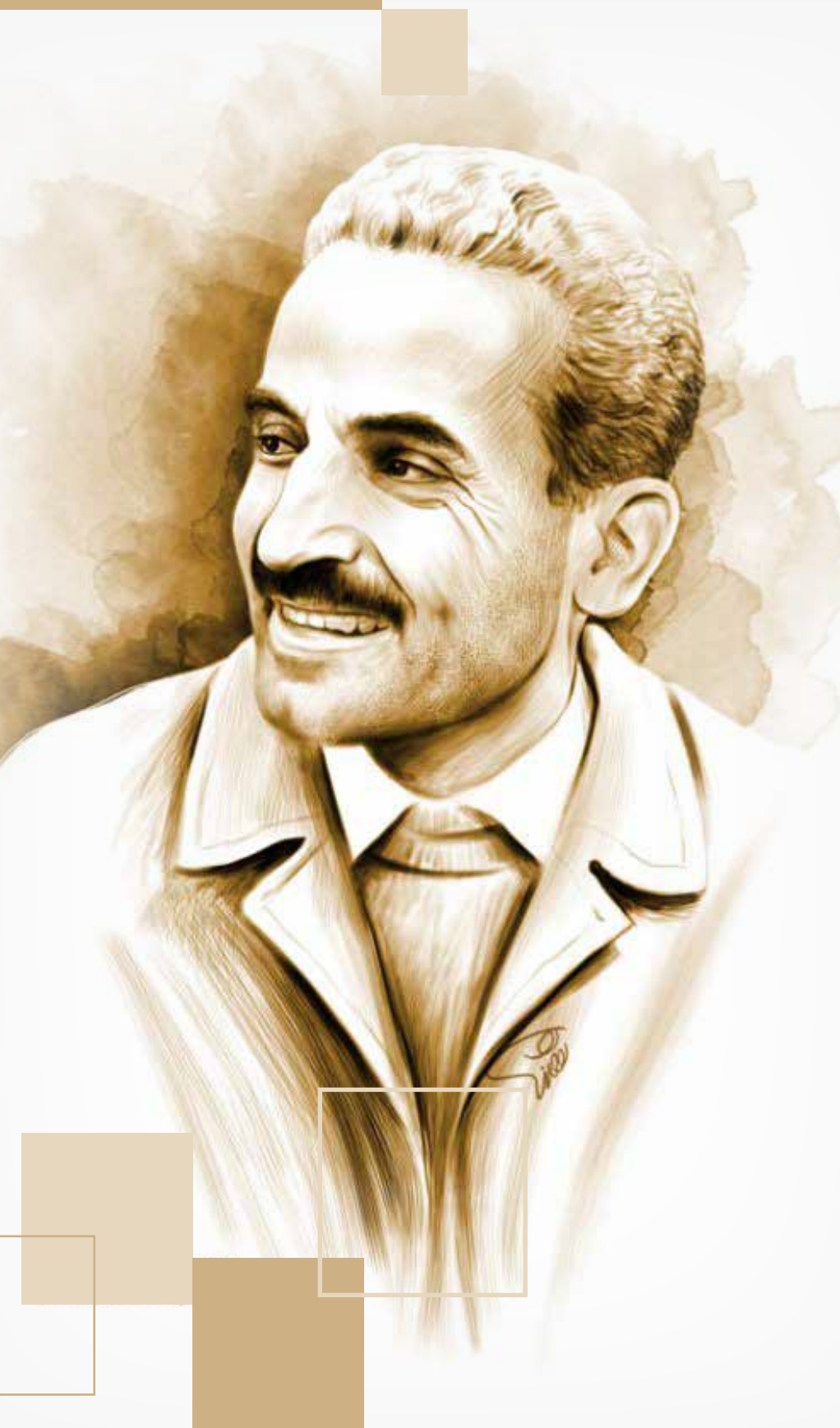
در واقع امور تربیتی، مخلوق و زاده ی انقلاب اسلامی ایران است .

در نهایت، این بخش حدود پنج ماه بعد از روی کار آمدن رجایی و باهنر، یعنی در اسفند ۵۸ به بدنه ی آموزش و پرورش، تزریق گردید تا مثل ویروس کشی قدرتمند، ریشه ی جوش های چرکی و گروهک های سیاسی را بخشکاند.

آری. امور تربیتی در اوایل انقلاب ماهیت سیاسی داشت؛ تا در جبهه ی فرهنگ سازی بجنگد و دفاع کند.

امروز که خودم دانشجوی رشته ی امور تربیتی هستم و مثل رجایی معلم شده ام؛ جسم نیمه جان آموزش و پرورش و بخصوص پرورش را می بینم و با خود می گویم: ((کاش مرد دیگری مثل او پیدا شود... شاید هم زنی؛ که راه و چاه را بشناسد و به بیماری های وزارت خانه ی عشق، آگاه باشد و پادزهر این درد را هرطور که شده، حتی به بهای جانش بخرد.))

دعا.ن







# غوغای دشت

کوه ابراهیم

شاید اینبار کسی ولوله برپا نکند  
گره از زلف خم اندر خم تو وا نکند  
شاید اینبار کسی مشتش زنده بر دیوار  
در دل تنگ تهی یک تنه غوغا نکند  
شاید اینبار کسی قفل دهان باز نکند  
کولی دشت شود هی هی و ها ها نکند  
ناگهان مسخ شود، زل بزند در چشمت  
با لب بسته‌اش او نقل هیاو نکند  
و سپس دود شود پوچ شود هیچ شود  
و از این دره‌ی تاریک نه پروا نکند  
سوی نوری ازلی اوج بگیرد، برود  
یک به یک رشته‌ی دنیا بدر، وا نکند

زهرآجوانی

آموزش ابتدایی، پردیس فاطمه الزهرا



# هر زمان شعری سراغم آمده



برای شنیدن فایل صوتی این مطلب، بارکد را کلیک نمایید

هر زمان شعری سراغم آمده  
خاطرات گرم من  
حبس در پستوی سرد و سوزناک حافظه  
می‌زند دستی به پشت شانه‌ام  
کودکی نوپا درونم می‌دود  
خنده‌هایش گرم و معصومانه بود  
هر زمستان یک غزل نرگس دلش را با  
بهاری غرق رؤیا  
وصله کرد  
یک سبد از قاصدک‌ها  
مهربانی می‌خرید  
او که همبازی گل‌های قشنگ ناز بود  
درنگاهش زندگی آغاز یک پرواز بود  
شب به شب در خواب خوش  
تا سحر با بادبادک حرف زد  
بادبادک هم برایش قصه‌هایی سبز گفت  
وقت نقاشی که شد  
زندگی را زرد کرد  
عاشق خورشید  
... باران  
... باد ... بود  
کودک نوپا ولی  
ناگهان پرواز کرد!  
جا برای نوجوانی باز کرد  
هر زمان شعری سراغم آمده  
خنده‌های گرم و معصومانه‌اش را دیده‌ام  
می‌دوم در سبزه‌ها  
یک غزل نرگس برایش چیده‌ام  
تا به خود می‌آیم از او  
از طنین خنده‌هایش  
نغمه‌هایش  
رد پایش  
هیچ نیست...!



فاطمه نصر اصفهانی

آموزش ابتدایی - پردیس فاطمه الزهرا

# نجوای دل



معهام آن روز از دنده‌ی چپ بلند شده بود کلاس ۸ صبحم با استادی بود که مدام حرف می‌زد و از بچه‌ها سوال می‌پرسید به قولی کلاس پویایی بود و این برای قار و قور شکمم بسیار خوب بود تا کسی آن را نشنود اما برخلاف این کلاس، کلاس بعدی را استادی تدریس می‌کرد که نای صحبت نداشت گویا کلاسش مزاحم چرتش شده بود.

دانشجویان نیز مانند صبح فعال نبودند انگار همه خواب بودند و سکوت حرف اول را می‌زد. این خاموشی، استرس مرا دو چندان می‌کرد و موجب می‌شد تعداد قار و قور شکمم در واحد زمان بیشتر شود و با قدرت فزاینده‌ای در فضای کلاس بیپد.

خدای من، چه فاجعه‌ای! تنها کاری که می‌توانستم بکنم این بود که از کلاس بیرون بزنم. ساعت نزدیک ۱۲ بود و زمان خوردن ناهار دانشگاه؛ رمق نداشتیم؛ برای رسیدن به سلف، فرسنگ‌ها در آفتاب راهپیمایی کردم. این راه را همیشه با دوستانم در حال بگو و بخند بودم اما آن روز اصلاً حوصله نداشتیم. فقط می‌خواستیم زود ناهار بخوریم و بعد تا شب در آزمایشگاه به کارهای پایان نامه‌ام برسیم.

در دهه‌ی هشتاد بود که مجبور بودم برای پایان نامه‌ام تا دیر وقت در آزمایشگاه دانشکده بمانم.

آن روز از ساعت ۸ صبح کلاس داشتم و می‌بایست ۶ صبح از خواب پا می‌شدم و بعد از چند کار بهداشت فردی و خوردن کمی صبحانه‌ی بخور و نمیر و عجله‌ای، ساعت ۲۰ دقیقه به ۷ از خانه بزنم بیرون تا به سرویس برسم.

سرویس‌ها را هم تا خرخره پر می‌کردند آن طور که آن صبحانه‌ی خورده شده با آن فشاری که به دل و روده‌ام وارد می‌شد تصمیم داشت به بالا برگردد دیگر از بوی بد و نامطبوع سرویس نگویم از آن بدتر دانشجویی بود که به خاطر طرز ایستادنش با هربار ترمز راننده سرم با زیر بغل مبارکش برخورد می‌کرد و با هربرخورد با تعدادی از سلول‌های بویایی‌ام وداع می‌کردم درست است آب کم است اما... بگذریم، آن روز حدود ۴۵ دقیقه در سرویس ایستاده بودم. به دانشگاه که رسیدم حال چندان خوبی نداشتیم؛ استرس کارهای پایان‌نامه موجب می‌شد شکمم مدام به قار و قور بیفتد.



ناهار قیمه پلو بود و طبق معمول آشپز بسی خسیسانه غذا می‌ریخت چون صبحانه‌ی درست حسابی نخورده بودم به آشپز گفتم دو تا ملاقه خورشت بریزد هر چند از نظر او دو ملاقه بود. تند و تند و با عجله قیمه را خوردم. انگار از قحطی آمده باشم؛ نفهمیدم چطور تمامش کردم. در آخر به سکسکه افتادم؛ لیوان آب سردی را یک نفس نوشیدم تا آخرین قاشق قیمه را به زور از مری وارد معده کنم.

سکسکه ام بند آمد. لب و لوچه ام را در آینه ی جیبی خود دیدم و بعد از تمیز کردن آن با دستمال، و صاف و صوف کردن مقنعه‌ام راهی آزمایشگاه دانشکده شدم. مطمئن بودم که دیگر از قار و قور خبری نیست اما در عوض دلم به شدت درد گرفته بود. انگار شده بودم یک دیگ زودپز! پیاده و آهسته آهسته مسیر سلف تا دانشکده را پیمودم.

دانشکده‌ی ما آسانسور هم داشت اما از ۷ روز هفته ۸ روزش خراب بود و کلاً بیشتر وقتها معذور از پذیرش دانشجو! آن روز هم مجبور شدم با آن حالم تا طبقه‌ی سوم از پله ها بروم. وقتی به بالای پله‌ی آخر رسیدم نه از دل درد خبری بود و نه قارو قور شکم. خدا را شکر کردم و وارد آزمایشگاه شدم. به غیر از مسئول آزمایشگاه چهار دانشجوی دیگر، دو دختر و دو پسر، نیز در آنجا بودند. آزمایشگاه تا ساعت ۴ بعدازظهر باز بود و من زمان چندانی نداشتم. دانشجویان یکی یکی قبل از ساعت ۴ آزمایشگاه را ترک کردند؛ مسئول آزمایشگاه هم برای مدتی از آنجا بیرون رفت. فقط من ماندم و یک پسر بلند قد دیلاقی. از عینکش معلوم بود که حسابی درس‌خوان هم بود. چنان با دقت کارش را انجام می‌داد که گمان می‌کردی جراح مغز و اعصاب است. ساکت بود و فقط دست‌هایش کارهای بی سرو صدا انجام می‌داد. صدایی که نباید به گوش می‌رسید را شنیدم می‌دانستم که این آرامش قبل از طوفان بود معده‌ام دوباره که نه صدباره به صدا در آمد آن هم با بوق ممتد.

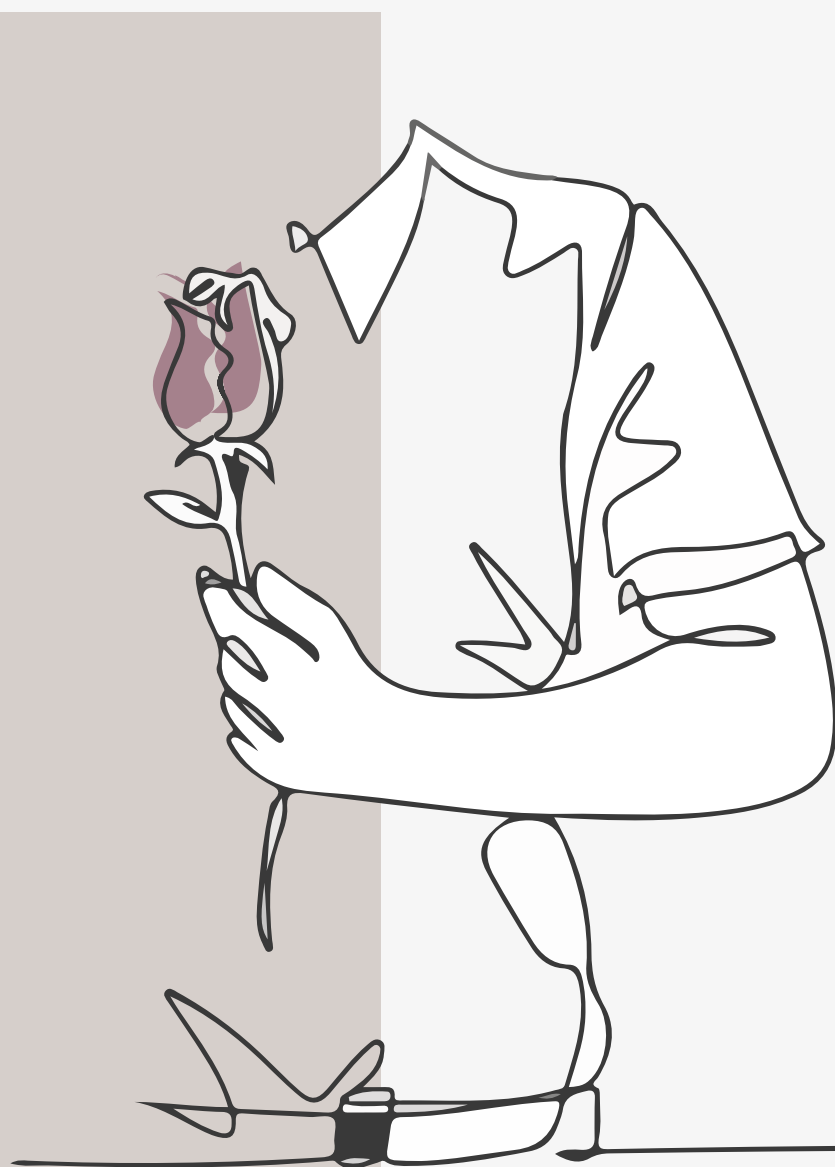
انگار کسی دستش را بر روی دکمه‌ی قار و قور شکم گذاشته بود و ول نمی‌کرد. دیگر مطمئن بودم که او هم شنیده است مجبور شدم یکی از کاغذهایی را که نزدیک دستم بود بردارم و انگار که گرم شده باشد تکان دهم تا صدای قار و قور پنهان شود ولی حریف نشدم دستم از تکان دادن بی‌جهت کاغذ خسته شد، با مداد به طور ممتد روی میز ریتم گرفتم اما معده‌ام خستگی نمی‌شناخت.

انگار دل پری از من داشت که چرا لپه‌های نیم پز را جویده و نجویده داخلش کردم. شاید حق با او بود. اما آن زمان وقت مناسبی برای تلافی کردن نبود. پاک آبرویم رفت. در ابتدا آن پسر مثلاً خود را به نشنیدن زد اما

بعد لبخندی در گوشه‌ی چشمش نمایان شد. نمی‌توانستم از آزمایشگاه بیرون بروم چون وقت را از دست می‌دادم. دست خودم نبود یک لحظه با عصبانیت داد زدم:

"خدایا این چه معده‌ی داغونیه! همه‌ش قار و قور می‌کنه."

این را گفتم و راحت شدم. دیگر برایم مهم نبود که معده‌ام به سرو صدای خود ادامه دهد، اما دیگر صدایش را قطع کرده بود و من با گفتن آن جمله دو کار کرده بودم یکی قطع صدای معده‌ام و دیگری بردن دل آن پسر. بعدها آن دانشجوی درس‌خوان شد یکی از خواستگاران پرو پا قرص من که من تا این زمان او را با نام خواستگار قار و قوری می‌شناسم.



عارف گرجی  
آموزش ابتدایی، پردیس فاطمه الزهرا

# سنگزل

این غزل بهر تو آمد به زبان، از ته دل  
خوب اگر دل بدهی تار شوی پودش را  
گرچه او نارس و کم تجربه و بی هنر است  
می تواند برساند به تو مقصودش را

\*\*\*

این غزل با تو پس افتاد ازین ذهن خراب  
خوب اگر گوش کنی، می شنوی بغضش را  
گرچه او نارس و کم تجربه و بی هنر است،  
می تواند برساند به خدا دستش را.

## زهر ا جوانی

آموزش ابتدایی ، پردیس فاطمه الزهرا



برای شنیدن فایل صوتی این  
مطلب، بارکد را کلیک نمایید



# اصفهان لاله‌های روشن



و پرورش این استان به نمایندگی از مدیر کل تندیس هدایی را دریافت کرد. مدارس مهرورزان از ناحیه ۳، بحرالعلوم از شاهین شهر، صدیقه کبری از مبارکه، عفاف از زرین شهر و مکتبی از ناحیه ۵ اصفهان به عنوان مدارس برتر کشوری معرفی آراین حدادی از مدرسه باقرالعلوم (ع) و محمدمتین علیجانی از مدرسه نجفی ناحیه ۲ و طاهای موسوی از مدرسه عظیمی شهرضا به عنوان دانش‌آموزان برتر برگزیده و لوح تقدیر و جوایزی دریافت کردند. منبع گزارش: اداره اطلاع رسانی و روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان

وی افزود: همسو با اجرای این طرح، هر مدرسه یکی از شهدای دانش‌آموز یا فرهنگی ناحیه و یا منطقه خود را به عنوان شهید شاخص انتخاب و با مشارکت دانش‌آموزان ضمن برگزاری یادواره آن شهید، آثار فرهنگی نیز تولید می‌کنند. در ارزیابی که توسط دبیرخانه طرح در استان مازندران همزمان با مراسم اختتامیه انجامید، اصفهان به عنوان استان اول برگزیده و به مدیرکل آموزش و پرورش استان اصفهان لوح تقدیر و تندیس جشنواره اهدا شد که رئیس اداره فرهنگی هنری، اردوها و فضاهای پرورشی اداره کل آموزش

افتخار آفرینی اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان در آخرین ورق‌های دفتر سال ۱۴۰۱ لوحی زرین بر صفحه‌ای نهاده شد؛ اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان موفق به کسب رتبه اول کشوری در سومین دوره طرح ملی لاله‌های روشن آموزش و پرورش شد.



در هفته پایانی اسفند ماه اختتامیه سومین دوره طرح ملی لاله‌های روشن در اردوگاه شهدای دانش‌آموزی باده برگزار شد. در این جلسه معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش و مدیرکل فرهنگی هنری، اردوها و فضاهای پرورشی این وزارتخانه، حضور داشتند.

مرتضی شکری رئیس اداره فرهنگی هنری، اردوها و فضاهای پرورشی اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان در خصوص سومین دوره طرح ملی لاله‌های روشن، اظهار داشت هدف از اجرای این طرح ملی توسعه و تعمیق فرهنگ ایثار و شهادت و تبیین نقش دانش‌آموزان در دوران دفاع مقدس و برجسته کردن نام شهدای دانش‌آموز و ادای احترام به شهدای فرهنگی است.

همچنین گفت: در سال تحصیلی گذشته سومین دوره طرح ملی لاله‌های روشن در ۴۰ هزار مدرسه کشور عملیاتی شد و در استان اصفهان بیش از ۲۳۰۰ آموزشگاه این طرح را اجرا کردند.



سیده سارا طاهریان

آموزش هنر، پردیس فاطمه الزهرا

# تربیت جنسی

## تربیت جنسی "یا آموزش جنسی"؟

برخی "تربیت جنسی" را مرادف با آموزش جنسی می‌دانند در حالی که آموزش جنسی، شرح جزئیات روابط و مراحل جنسی است اما آنچه در تربیت جنسی مطرح است ارائه مجموعه اطلاعات جسمانی، روانی، اجتماعی و دینی در مورد مسائل جنسی است.

گروه اجتماعی خبرگزاری تسنیم؛ فرانک آرامی: گزینه جنسی از زمان تولد در هر انسانی نهفته است نباید تصور کرد که کودکان تا زمان بلوغ از رفتارهای جنسی تأثیر نمی‌پذیرند بلکه آنان نیز گزینه جنسی دارند اما کودکان از هدف و مقصد این گزینه بی‌اطلاع هستند و در زمان بلوغ نمایان و سازمان‌یافته می‌شود.

در ابتدا گزینه جنسی در کودکان، اعمال جنسی یا لذت جنسی را به‌دنبال ندارد و باید به مرحله رشد و تحول خود برسد اما اگر این گزینه پیش از موعد تحریک شود باعث می‌شود که کودک زودتر از وقت مناسب نسبت به آن آگاه شود.

## چرا تربیت جنسی؟

تربیت به‌معنای فراهم کردن زمینه‌های لازم است تا در سایه آن به‌تدریج استعدادهای انسان شکوفا شود، فعلیت یابد و به‌سوی حد نهایی و کمال خود برسد. تربیت اقسام گوناگونی دارد که یکی از اقسام آن تربیت جنسی است که به‌زعم بسیاری، سخت‌ترین قسم تربیت محسوب می‌شود چرا که اگر

ارائه آن به‌درستی صورت نگیرد ممکن است آسیب‌های فراوانی به‌دنبال داشته باشد.

این تربیت عبارت است از این که فرد در دوره های رشد کودکی، نوجوانی و جوانی به‌گونه ای پرورده شود و آموزش ببیند که با جنسیت خود آشنا شود، آن را بپذیرد، قدردان وجود خود باشد و به آن افتخار کند. در این میان برخی تربیت جنسی را مرادف با آموزش جنسی می‌دانند در حالی که آموزش جنسی، شرح جزئیات روابط و مراحل جنسی است اما آنچه در تربیت جنسی مطرح است ارائه مجموعه اطلاعات جسمانی، روانی، اجتماعی و دینی در مورد مسائل جنسی یا در اختیار گذاشتن اطلاعات لازم درباره مسائلی است که با گزینه جنسی کودک و نوجوان مرتبط است و هدف آن، تربیت، بر محور اخلاق جنسی است بنابراین می‌توان گفت نتایجی که از تربیت جنسی حاصل می‌شود، پایدارتر و پرمثمر خواهد بود چرا که منجر به رشد شخصیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی فرد و جامعه می‌شود.

## تربیت جنسی از چه زمانی آغاز می‌شود؟

همان‌طور که بیان شد گزینه جنسی از همان زمان تولد در هر انسانی نهفته است بنابراین تربیت این حوزه نیز از همین زمان آغاز می‌شود. تربیت جنسی کودکان در دنیای امروز مسئله پراهمیتی است زیرا با تغییر و رشد علم و فناوری‌های نوین، اینترنت و شبکه‌های

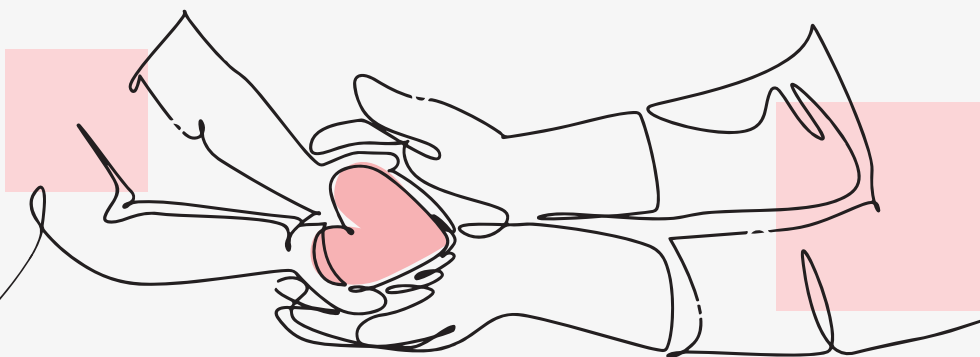
اجتماعی کودکان خیلی زود به دنیای بزرگسالی قدم می‌گذارند و نکته مهم اینجاست که تربیت جنسی مانند هر تربیت اصیل دیگری باید به‌جا و به‌موقع صورت گیرد یعنی نه زودتر از زمانی که لازم است و نه دیرتر از آن.

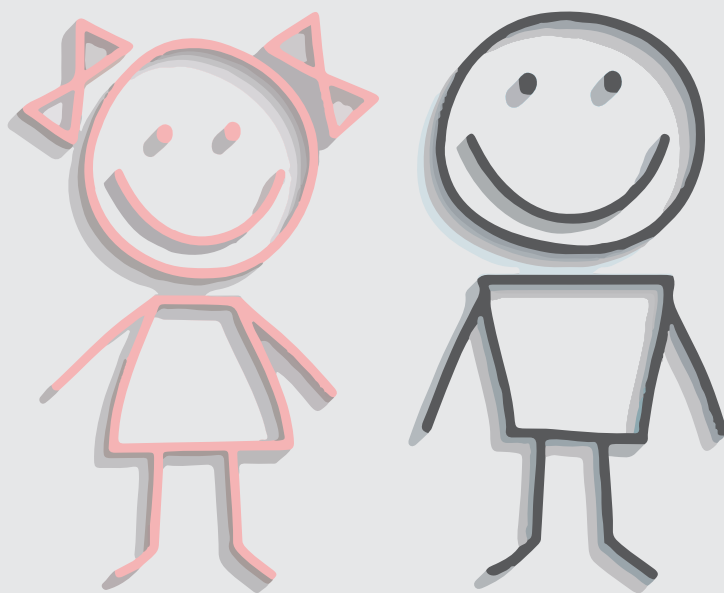
این تربیت باید حتی از سال‌های قبل از دبستان آغاز شود و کودک در هر مرحله از عمر خود اطلاعات جامع‌تری در این رابطه کسب کند، به همین خاطر والدین در این تربیت نقش کلیدی و حساسی را به‌عهده دارند چرا که نخستین ارتباط کودک در بدو تولد با پدر، مادر و خانواده‌اش رقم می‌خورد بنابراین تک‌تک رفتارها و انتخاب‌های والدین در شکل‌گیری شخصیت فرزندانشان تأثیرگذار است.

روابط نزدیک و صمیمانه با فرزندان خود، آگاهی‌های لازم درباره دوره‌های مختلف سنی فرزندان، ذهنیت درست نسبت به تربیت جنسی و نحوه صحیح ارائه آن در هر بازه زمانی از جمله مواردی است که والدین در انجام این قسم از تربیت باید دارا باشند.

## آموزش و پرورش و تربیت جنسی

از کارکردهای نظام آموزش و پرورش رشد کیفیت شخصیت کودکان، نوجوانان و جوانان است. رشد شخصیت آدمی، پرورش قوای ذهنی و جسمی، پرورش عواطف و رشد اخلاق دینی دانش‌آموزان از کارکردهای اساسی نظام آموزش و پرورش





مغفول مانده است؛ یکی از این ابعاد تربیتی، تربیت جنسی است، یکی دیگر از آن‌ها، تربیت اقتصادی است. در خصوص تربیت جنسی، ما نیاز به همکاری ویژه بین اولیا و مربیان مدرسه داریم، در همین رابطه نشست‌هایی هم گذاشته‌ایم و سرپرست اداره کل انجمن اولیا و مربیان نیز در این جلسات حضور داشتند؛ برای این موضوع در حوزه دختران در پایه سوم ابتدایی و پسران در پایه هشتم و نهم برنامه‌ریزی ویژه‌ای کرده ایم حتی این برنامه‌ریزی‌ها اهداف درسی نیز دارد و در کتب درسی گنجانده شده است اما به‌صورت تخصصی باید توسط معلمان امین مان این کار انجام شود.

صحبت‌های اصغر باقرزاده سؤالات متعددی را در ذهن مخاطب ایجاد کرد از جمله اینکه؛ این برنامه دقیقاً به‌چه‌صورت انجام می‌شود؟ معلمان امین دقیقاً چه کسانی هستند؟ آیا تربیت جنسی فقط در همان پایه‌ها تعریف می‌شود؟ باید دید در آینده برنامه و پاسخ وزارت آموزش و پرورش در این خصوص چه خواهد بود.

**فرانک آرامی**  
**خبرگزاری تسنیم**

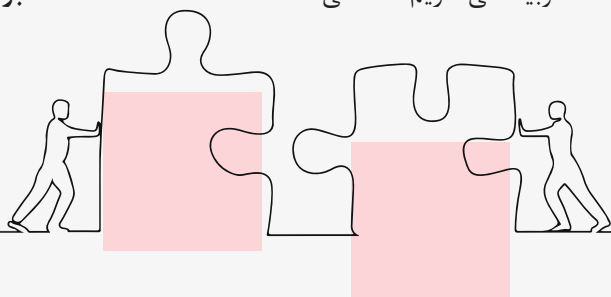
در دنیای امروز کودکان، نوجوانان و جوانان تنها با خانواده و همسالان خود در مدارس تعامل و ارتباط ندارند بلکه اکنون رسانه نیز جای خود را به‌خوبی در دنیای آنان باز کرده است و به همین خاطر رسانه در فرایند تربیت کودکان و نوجوانان اثرگذار است، آنان در فضای رسانه با انبوه اطلاعات و محتوای مختلف، خواه متناسب با سن‌شان و خواه نامتناسب، مواجه هستند و ممکن است نیازها و سؤالات جدیدی برای آن‌ها ایجاد شود به همین خاطر خانواده‌ها و مدارس باید با افزایش آگاهی‌های خود اثرگذاری و کارکرد خود را در اقسام مختلف تربیت حفظ کنند و افزایش دهند.

چندی پیش بود که اصغر باقرزاده؛ معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد که در طول ۱۰ سال گذشته، آسیب‌هایی که بچه‌ها دچار آن هستند، هر سال یک درصد افزایش داشته است اما در دو سال اخیر کرونایی، این میزان در هر سال ۲ درصد بوده و افزایشی شده است.

در این بین طی روزهای گذشته اصغر باقرزاده معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش دولت سیزدهم خبر داد: ما چندین ساحت تربیتی داریم که کمی

محسوب می‌شود، به همین خاطر این نظام نقش مؤثری در تربیت اخلاقی، اجتماعی، عبادی و از جمله تربیت جنسی دانش‌آموزان می‌تواند ایفا کند. از منظر سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی، تربیت فرایندی تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی خواهد بود که برای آن شش ساحت در نظر گرفته شده است که یکی از این ساحت‌ها، تعلیم و تربیت زیستی و بدنی است که به گفته صاحب‌نظران یکی از اهداف این ساحت درک ویژگی‌های زیستی دانش‌آموزان و پاسخگویی مسئولانه دانش‌آموزان به نیازهای جسمی و روانی خودشان است همچنین در این سند به رعایت اقتضائات هویت جنسی و ویژگی‌های دوران بلوغ دانش‌آموزان در برنامه‌های درسی و روش‌ها و برنامه‌های تربیتی تأکید شده است.

دنیای امروز و ضرورت توجه به تربیت جنسی افزایش شبکه‌های اجتماعی، رشد تکنولوژی و دسترسی آزاد و آسان به محتوای مختلف در دنیای امروز روی ابعاد مختلف زندگی انسان‌ها تأثیراتی داشته است یکی از این ابعاد که دستخوش تغییرات گسترده‌ای شده آموزش و تربیت است.



# کتابخانه نیمه شب



نام اثر: کتابخانه نیمه شب

نویسنده: مت هیگ

یک کتابخانه، بی نهایت زندگی

\*برنده جایزه بهترین کتاب داستانی  
گودریدز\*

مترجم: محبوبه فهندژ سعدی

ویراستار: شیدا قاضی

تعداد صفحات: ۲۱۵

انتشارات: آرمیدخت

تاریخ انتشار: ۲۳/۰۱/۱۳۹۹

نوبت چاپ اول: بهار ۱۴۰۱

## پیام و مفهوم:

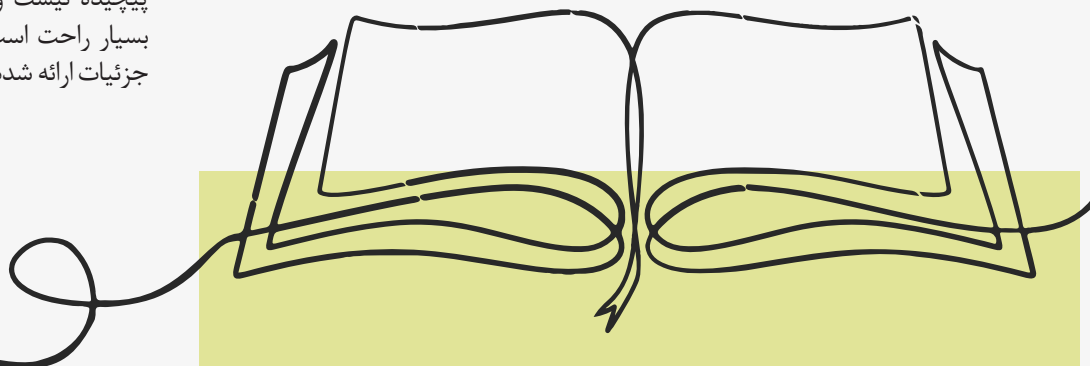
نویسنده این داستان می‌خواهد نشان دهد که چه اتفاقات بزرگ و چه کوچک همه روی زندگی موثر هستند و می‌توانند که مسیر زندگی را به کلی منحرف کنند. همیشه افراد به احتمالات مختلف زندگی خود فکر می‌کنند و می‌گویند اگر آن طور می‌شد... ولی نمی‌دانند که در هر زندگی همان قدر که زیبایی هست، زشتی هم هست و تو تا چیزهای دست ندهی نمی‌توانی چیز دیگر به دست آوری. زندگی در کل، این از دست دادن‌ها و به دست آوردن‌هاست. پس به نگاه و دید خودت بستگی دارد که زندگی را چطور ببینی و چطور بسازی. نکته مهم دیگر هم این بود که باید با تمام عزیزانمان درست خداحافظی کنیم چرا که معلوم این که آن دیدار، آخرین باشد یا نه.

## درباره مت هیگ:

مت هیگ در سال ۱۹۷۵ در شفیلد انگلستان به دنیا آمد. او رمان‌نویس و روزنامه نگار است. مت تحصیلاتش را در دانشگاه هال در رشته زبان انگلیسی و تاریخ به پایان برد و تا به حال آثار داستانی و غیر داستانی زیادی برای کودکان و بزرگسالان نوشته است. وی در سن ۲۴ سالگی به افسردگی شدیدی مبتلا گشت که سالیان سال تحت نظر پزشک قرار داشت و در نهایت توانست بیماری‌اش را شکست دهد. مت از شیوه مقابله‌اش در برابر این بیماری در کتاب حاضر سخن می‌گوید. او که مؤلف آثار برجسته‌ای همچون، «چگونه زمان را متوقف کنیم؟» و «انسان‌ها» است؛ همچنین یکی از موفق‌ترین و پرفروش‌ترین نویسندگان نیویورک تایمز و آمازون است.

## نکوداشت‌های کتاب کتابخانه نیمه شب:

- کتابی خواندنی که روحیه‌تان را عوض می‌کند! (واشنگتن پست)  
- یک افسانه زیبا؛ داستانی شگفت‌انگیز برای عصر مدرن است. (جودی پیکولت)  
- رمانی بی نهایت جذاب! در دنیای آشفته امروزی، این همان کتابی است که به آن نیاز داریم. (نیویورک تایمز)  
**ماجرای کتابخانه نیمه شب:**  
عقیده‌ای از کودکی در من نهاده شده که هر کتابی، به وقتش سر راه آدم قرار می‌گیرد و اگر کتابی رو پیدا کردید که نمی‌توانید دست از خواندنش بکشید، به این معنی است که این کتاب برای شماست، لازمش داشتید و حالا اون بین دست‌هایتان جا گرفته است! این کتاب هم از این قاعده مستثنی نبود. داستانی بی نهایت الهام‌بخش و دلچسب که ادبیات ساده و روانش خوندنش رو هزاران بار شیرین‌تر می‌کند. شخصیت‌پردازی آن پیچیده نیست و ارتباط گرفتن با کاراکترها بسیار راحت است. عواطف شفافی دارند و جزئیات ارائه شده، آن‌ها را قابل درک‌تر می‌کند.







### قسمتی از متن کتاب:

\* کتابخانه نیمه شب کتابخانه ارواح نیست. کتابخانه اجساد هم نیست. کتابخانه احتمالات. مرگ هم دقیقا نقطه مقابل امکان و احتمالات.

\* فشار مارو سخت می کنه. تو از زغال بودن شروع می کنی و فشار تورا به الماس تبدیل می کند.

\* وقتی یه کار رو متفاوت انجام بدی، انگار همه کارها رو متفاوت انجام دادی.. اعمالمون رو نمی تونیم در طول عمرمون معکوس کنیم، ولی زیاد تلاش می کنیم....

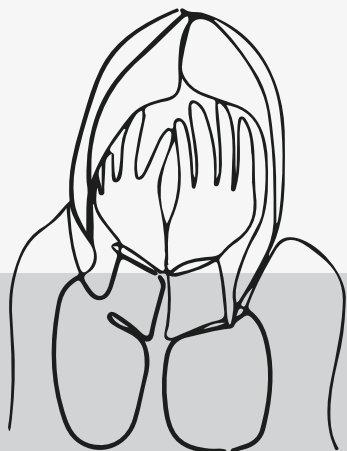
\* خانم الم با لحنی خوددار به او گفت: خواستن کلمه جالبیه، معنی اون نداشتنه. اگر گاهی این نداشتن رو با چیز دیگه ای پر کنیم خواست اصلی به کلی ناپدید می شه. شاید مسئله تو نداشتنه نه مسئله خواستن. \* گاهی تنها راهی که می تونی یاد بگیری زندگی کردنه.

\* هر زندگی میلیون ها تصمیم رو شامل می شه. بعضی از این تصمیم ها بزرگ هستن و بعضی کوچیک. اما هر بار که تصمیمی گرفته می شه، نتیجه تغییر می کنه. تغییری جبران ناپذیر که به نوبه خودش موجب تغییرات دیگه ای می شه. این کتاب ها دریچه ای هستن به تمام زندگی هایی که تو می تونستی تجربه کنی.

\* خانم الم درست می گفت. بازی هنوز تمام نشده بود. هیچ بازیکنی نباید تا وقتی مهره ای روی صفحه داشت تسلیم می شد.

## زهرامتا

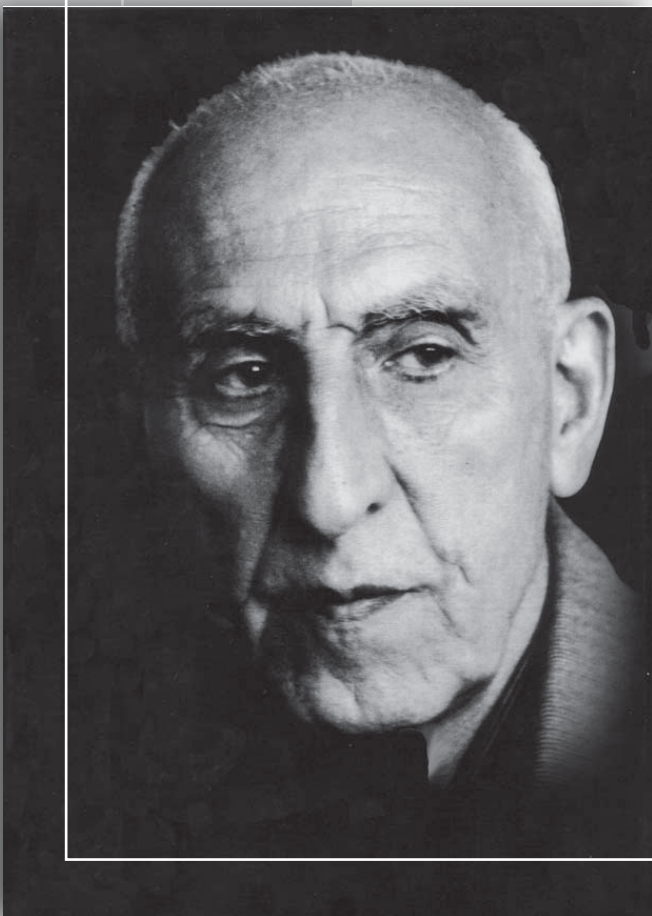
آموزش الهیات، پردیس فاطمه الزهرا



ندارد، اتفاقاتی که برایش رخ می دهند، مثل زنجیرهای به همدیگر متصل می شوند و کاری می کنند که نورا در نهایت تصمیم به خودکشی بگیرد. اما خوردن قرص ها، به جای اینکه نورا را راهی نیستی کند، او را به کتابخانه ای می برد که زمان در آن متوقف شده! تک تک کتاب های کتابخانه نیمه شب، برای نورا هستند. شامل زندگی هایی که در هرکدام از اون ها با یک تصمیم کوچیک یا بزرگ، همه چیز تغییر کرده و زندگی کاملا متفاوتی شکل گرفته است. توی بعضی از آن ها هنوز عزیزانش رو از دست نداده و توی بعضی دیگه، کسانی حضور دارند که نورا در زندگی اصلیش هرگز ملاقات نکرده است! او می تواند به تمام این کتاب ها سر بزند تا زندگی دلخواهش رو پیدا کند؛ اما اینکه چه چیزی در آن کتاب ها است؟ یا اصلا کتابی هست که شامل زندگی مورد علاقه ای او باشد یا نه، چیزی است که خودتان با خواندن داستان متوجه می شوید.



# دکتر مصدق



محمد مصدق، فرزند میرزا هدایت الله آشتیانی، در بیست و نهمین روز از اردیبهشت ماه سال ۱۲۶۱ خورشیدی در سنگلج تهران و در خانواده‌ای مومن و متعهد دیده به جهان گشود. پدر ایشان وزارت دفتر دارایی ناصرالدین شاه قاجار را بر عهده داشت و از ارادتمندان امیرکبیر بود و مادر ایشان، نجم السلطنه، فرزند شاهزاده فیروز میرزا نصرت الدوله از نوادگان عباس میرزا بوده است.

حقوق بوده است. دکتر مصدق با آغاز جنگ جهانی به ایران بازگشت و به تدریس در مدرسه سیاسی پرداخت. در این مدت، فعالیت‌های سیاسی، حقوقی و مالی مختلفی انجام داد. کتاب‌های «دستور حاکم حقوقی» و «کاپیتولاسیون و ایران» از کتاب‌هایی هستند که دکتر مصدق در این مدت تألیف کرده‌اند.

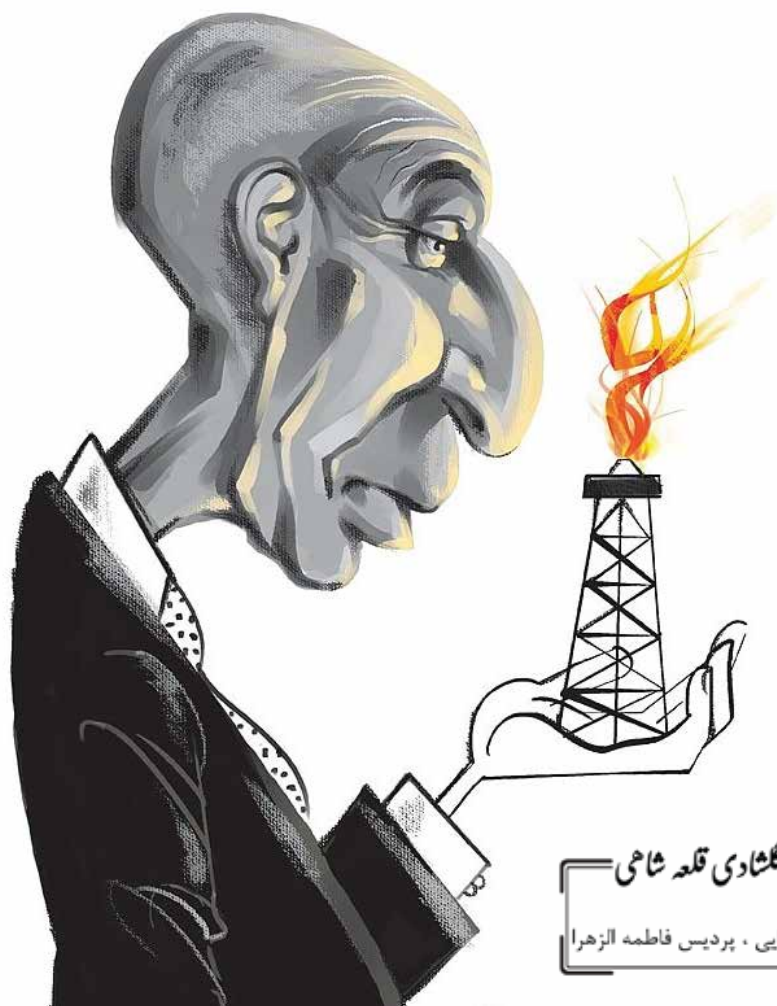
مدتی بعد دکتر مصدق در انتخابات دوره پنجم و ششم مجلس شورای ملی به عنوان نماینده مردم تهران برگزیده و وارد مجلس شورای ملی شد. دکتر مصدق با رضاخان که آن زمان سردار سپه بود، به مخالفت برخاست و همین مخالفت‌ها باعث شد تا در اواخر مجلس دوره ششم و روی کار آمدن دیکتاتوری رضاشاه، دکتر مصدق به زندان بیفتد؛ ایشان پس از چند ماه آزاد شد ولی مجبور بود سکوت اختیار کرده و در احمدآباد تحت نظر باشد.

همزمان با اشغال کشور به دست نیروهای شوروی و بریتانیا، در سال ۱۳۲۰، رضا شاه از سلطنت برکنار شد و دکتر مصدق توانست

محمد تحصیلات خود را در تهران آغاز کرد و دیری نپایید که در همان سنین کودکی، پدر خود را از دست داد و بر اساس زمامداری آن زمان با همان سن کم، به استیفای خراسان رسید. وی با تلاش خود و راهنمایی افراد کاردان و توانمند، خیلی زود بر امور مستوفی گری مسلط شد و به یک مستوفی خبره و کارآمد تبدیل شد.

در سال ۱۲۸۰ هجری شمسی، زمانی که محمد ۱۹ سال داشت، با زهرا، دختر امام جمعه تهران میرزا زین العابدین تهرانی، ازدواج کرد. در طول زندگی ایشان، خداوند به آن‌ها چهار فرزند پسر و سه فرزند دختر عطا نمود که دو فرزند پسر ایشان در کودکی از دنیا رفتند. محمد مصدق تا پایان زندگی شان، ۶۴ سال با همسر خود زندگی مشترک داشتند.

مصدق در سال ۱۲۸۷ به فرانسه رفت تا تحصیلات خود را ادامه دهد؛ پس از آن به سوئیس رفت و توانست از دانشگاه نوشاتل مدرک دکترا در رشته حقوق دریافت کند. ایشان اولین ایرانی دارای دکترا در رشته

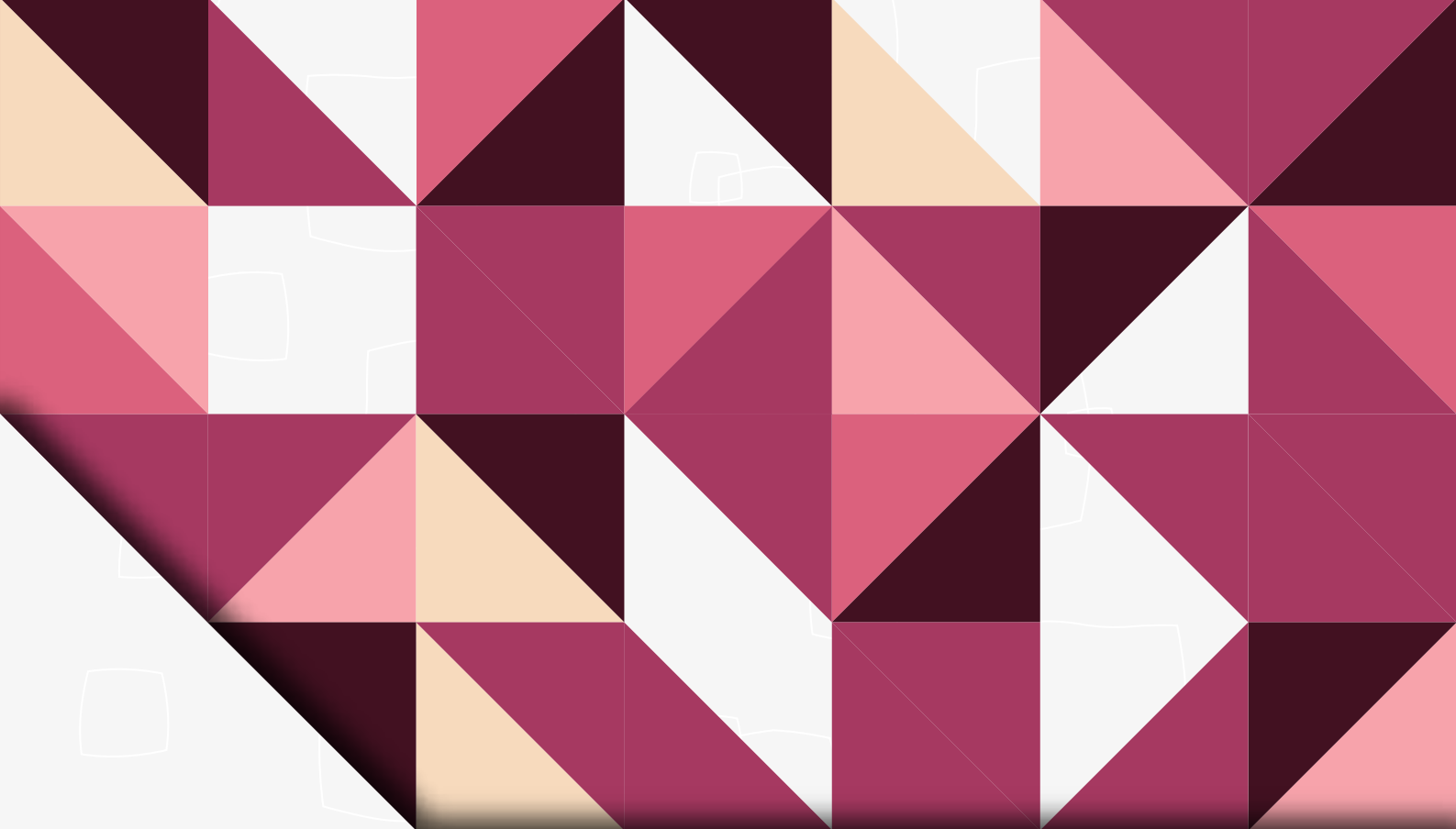


زهرآگشادی قلمه شامی  
آموزش ابتدایی، پردیس فاطمه الزهرا

مردادماه، دولت دکتر مصدق سقوط کرد. ایشان را به سه سال حبس محکوم کردند. پس از گذشت این سه سال، دکتر را به احمدآباد تبعید کردند و تا آخر عمر بر ایشان نظارت داشتند. سرانجام دکتر مصدق در چهاردهم اسفند ماه ۱۳۴۵ در ۸۴ سالگی، بر اثر بیماری سرطان، دار فانی را وداع گفت. دکتر مصدق در وصیت نامه خود آورده بود: (وصیت می‌کنم که فقط فرزندان و خویشان نزدیکم از جنازه من تشییع کنند و مرا در محلی که شهدای ۳۰ تیر مدفون‌اند، دفن نمایند.) اما مخالفت حکومت اجازه نداد وصیت نامه ایشان عملی شود و دکتر مصدق را در یکی از اتاق‌های خانه‌اش در احمدآباد به خاک سپردند. امروزه خانه این بزرگمرد تاریخ، به قلعه مصدق شهرت دارد و جزء موقوفات بوده و در فهرست آثار ملی ثبت گردیده است؛ روحش شاد و یادش گرامی باد.

به تهران برگردد و بار دیگر در دوره چهاردهم مجلس، نماینده مردم باشد. در این دوره از مجلس، طرح ارائه امتیاز نفت شمال کشور به شوروی داده شد و دکتر مصدق با تصویب قانونی مبنی بر اینکه تا زمانی که نیروهای دشمن وارد کشور باشند، ایران نمی‌تواند به آن‌ها امتیازی بدهد، از اجرای طرح امتیاز نفت به شوروی جلوگیری به عمل آورد.

دکتر مصدق در مجلس شانزدهم بار دیگر وارد مجلس شد و طرح ملی شدن صنعت نفت را به تصویب رساند. ایشان پس از استعفای حسین علا از نخست‌وزیری، به نخست‌وزیری ایران رسید و در پی جریان‌ات مخالفت با ملی شدن صنعت نفت ایران، در دادگاه لاهه هلند حضور پیدا کرد و از حق مردم ایران دفاع کرد و پیروز گشت. محمدرضا شاه، ۲۵ مرداد ۱۳۳۲، فرمان عزل دکتر مصدق را داد و در بیست و هشتم



معلم، از سختی راه نمی‌هراسد و فانوس به دست، می‌خواهد راه رسیدن به  
رأس قله‌ی خرد و انسانیت را نمایان کند. از کاستی‌ها دم نمی‌زند. چشم  
هایش را به روی رنجش‌ها می‌بندد. تلخی‌ها را کنار می‌زند و امید را در نغمه  
هایش، شعله‌ور می‌کند. چون شمع می‌سوزد و روشنایی می‌بخشد و تجلی‌گر  
صفات جمال و جلال خدا، می‌شود.  
روز معلم بر تمامی معلمان دلسوز و زحمتکش مبارک.

فاطمه نصر اصفهانی



جهت همکاری با نشریه حلما و مشارکت در بخش‌های نویسندگی،  
گویندگی، ویراستاری، طراحی و... به آیدی @marzieh\_as\_81 مراجعه کنید.